

"معیارهای سنجش قد کوتاهان"

در صفحه ۶

شاخص های اساسی توسعه

در صفحه ۸

مسابقات جهانی فوتبال

آغاز شد



در صفحه ۴

کمیته دفاع از سعیدی سیرجانی: اعترافات سیرجانی ساختگی است



سعیدی سیرجانی

- خانواده سعیدی سیرجانی از ۳ ماه پیش از محل بازداشت وی بی خبرند
- حمید مصدق و کیل مدافع سعیدی سیرجانی هنوز نتوانسته است با موکل خود دیدار کنند

پس از انتشار مطالبی که علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی به عنوان اعترافات سعیدی سیرجانی در اختیار روزنامه های تهران قرار داد، کمیته دفاع از سعیدی سیرجانی با صدور بیانیه ای اعلام نمود که نوشته منتسب به سعیدی سیرجانی تکرار همان اتهام های وزارت اطلاعات است.

در این اعلامیه آمده است: "اعترافات با نشرو شیوه ای نوشته شده که هیچ شباهتی به شیوه نگارش سعیدی سیرجانی ندارد و اتهاماتی که به آنها اعتراف شده است، همان اتهاماتی است که چندی پیش از سوی مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به نویسنده و پژوهشگر ایرانی نسبت داده شده. کمیته دفاع از سیرجانی در اعلامیه خود نوشته است: فشار روز افزون بر نویسنده زندانی و خطری که جان وی را تهدید می کند و امکان مجبور

ساختن او برای حضور در تلویزیون و رادیو برای اعتراف به گناهان نکرده، ماراوادار می سازد تا از تمام سازمان ها و گروه های مدافع آزادی در جهان مصرا نه بخواهیم تا با استناد به قوانین حقوق بشر و قانون اساسی خود جمهوری اسلامی نسبت به روشن شدن قطعی وضع این زندانی شریف و آزاده و جعلی بودن اعترافات منسوب به او در محضر یک دادگاه علنی و آزاد با حضور وکلای مدافع و نمایندگان مطبوعات بین المللی اقدام نمایند.

همسر سعیدی سیرجانی اعلام کرده است که او و سه دخترش از سه ماه پیش تا کنون از محل بازداشت اطلاعی ندارند و اجازه ملاقات به آنها داده نشده است و حتی حمید مصدق شاعر و حقوقدان سرشناس ایرانی که وکالت سعیدی سیرجانی را به عهده دارد، به رغم سه بار مراجعه به مقامات دستگاه قضایی جمهوری اسلامی موفق به دیدار با موکل خود

نشده است. در یکماه گذشته هزاران نویسنده از کشورهای مختلف جهان با انتشار بیانیه هایی در اعتراض به بازداشت سیرجانی خواستار آزادی بدون قید و شرط او شده اند. نوشته ای که به نام اعترافات سعیدی سیرجانی در اختیار رسانه ها قرار گرفت و در برخی روزنامه های تهران انتشار یافت، نامه ای است که گویا سیرجانی خطاب به بازجوی اسلامی موفق به دیدار با موکل خود

ادامه در صفحه ۳

محمد علی عمویی را آزاد کنید!

● قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان، از مردم ایران و جهان
خواست برای آزادی و تلاش کنند

محمد علی عمویی، که اکنون قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان نام گرفته است، از مردم ایران و کلیه مجامع بین المللی خواست که برای آزادی او تلاش کنند. نشریه راه توده در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۷ خرداد، ضمن اعلام این خبر نوشته است: مسئولان زندان های حکومت از عمویی خواسته اند در صورتی که حاضر شود بر "مرگ مارکسیسم" صحنه گذارد، در حکم اعدام او تجدید نظر خواهند کرد. به نوشته نشریه فوق محمد علی عمویی، ضمن رد این تقاضا "از مردم ایران، کلیه مجامع بین المللی، انجمن های حقوقی و تشکل های طرفدار آزادی و حقوق انسانی" برای آزادی خود

طلب امداد کرده است. عمویی گفته است: این خواست خود را در دیدار و گفتگویی حضوری با آقای گالیندوبل نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، به هنگام بازدید وی از زندان های ایران در میان نهاده و از وی خواسته است که این خواست را به جهانیان اعلام کند. محمد علی عمویی ۷۱ ساله است و ۳۷ سال از عمر خود را در زندان های رژیم های شاه و جمهوری اسلامی گذرانده است. محمد علی عمویی به جرم عضویت در کمیته مرکزی حزب توده ایران، همراه با سایر اعضای رهبری این حزب در سال ۶۲ دستگیر شد و تحت شکنجه های شدید قرار گرفت.

علیرغم کار شکنی حکومت اسلامی

مراسم یادبود دکتر مهدی آذر در تهران برگزار شد

مجلس یادبود دکتر مهدی آذر، شخصیت برجسته ملی و یکی از بنیانگذاران جبهه ملی ایران و وزیر فرهنگ در کابینه دکتر مصدق، روز دوشنبه ۲۳ خرداد در تهران برگزار شد. از برگزار مراسم در محل اعلام شده جلوگیری شد، اما در محوطه مقابل مسجد حجت ابن الحسن در خیابان سهوردی شمالی دکتر آذر از جمله تعدادی از رهبران جبهه ملی گرد آمدند و یاد او را گرامی داشتند.

مراسم یادبود دکتر مهدی آذر از سوی "فارغ التحصیلان سال چهل و چهار دانشکده پزشکی" از طریق یک

آگهی در روزنامه اطلاعات اعلام شده بود. اما، خانواده وی با درج آگهی هایی در روزنامه های کیهان و اطلاعات این مراسم را لغو کردند. از سوی دیگر مسئولین مسجد در خیابان سهوردی شمالی نیز اعلام کردند از برگزاری مراسم جلوگیری خواهند کرد. به گزارش خبرنگار برون مرزی حزب ملت ایران، دلیل لغو مجلس ترحیم مخالفت و کار شکنی حکومت اسلامی با این مراسم بوده است.

روژنامه رسالت در خبری که پیرامون مجلس ترحیم دکتر مهدی آذر چاپ کرده است، با خوشحالی ادامه در صفحه ۲

موسسات خصوصی اعتباری اجازه فعالیت یافتند

● تنها تفاوت این موسسات با بانکها عدم آرا به خدمات مربوط به حسابهای جاری است

بر اساس آخرین تصمیم دولت که هفته گذشته اتخاذ گردید، موسسات اعتباری خصوصی اجازه فعالیت خواهند داشت. آئین نامه تأسیس و فعالیت این موسسات که در واقع همان بانکهای خصوصی هستند، هفته گذشته به تصویب رسید. تصمیم دولت در دادن اجازه به بخش خصوصی در فعالیت های بانکی، ماه گذشته توسط محمد حسین عادل رئیس بانک مرکزی در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام گردید. در این مصاحبه عادل گفت: این موسسات خصوصی اجازه خواهند داشت در مورد پس انداز، وام و اعتبارات فعالیت کنند و هدف از این تصمیم این است که مردم به پس انداز کردن پول خود تشویق شوند.

تنها تفاوت این موسسات با بانکها این است که قرار نیست این موسسات خدمات مربوط به حسابهای جاری ارائه کنند. رئیس بانک مرکزی در این زمینه گفته است: موسسات اعتباری غیر بانکی اجازه خواهند یافت انواع حساب های سپرده و وام را در اختیار مشتریان خود قرار دهند. ولی مردم نمی توانند در این گونه موسسات حساب جاری باز کنند.

بانکهای ایران اندکی پس از انقلاب همگی دولتی شدند و این نخستین بار است که بخش خصوصی در عملیات بانکی امکان فعالیت پیدا می کند. اعلام اینکه هدف از دادن مجوز فعالیت به بانکهای خصوصی تشویق مردم به پس انداز کردن

است، به خودی خود اعتراف به این واقعیت است که مردم نسبت به بانکهای دولتی بی اعتمادند. علاوه بر این تکلیف سود و بهره به حسابهای سپرده روشن نیست. قوانین جمهوری اسلامی سود سپرده های بانکی را "ربا" و از نظر شرعی حرام دانسته است.

اگر قرار باشد در موسسات اعتباری خصوصی این قانون لازم الرعایه شود، قطعاً تأثیری در تشویق مردم به پس انداز کردن نخواهد داشت. ریشه بی اعتمادی مردم به بانکها در در خود بانکها، بلکه اساساً در اوضاع بی ثبات و مبهم و مفلوک اقتصادی کشور است که بیشتر اشتیاق به تبدیل پس اندازها به ارزهای معتبر یا خرید زمین و ملک را تقویت می کند. در فضای اقتصادی - سیاسی حال حاضر کشور، بنظر نمی رسد موسسات جدیدی که شکل خواهند گرفت به اهداف اعلام شده دولت کمک برسانند.

یک عامل دیگر که ثمر بخشی موسسات اعتباری خصوصی را از همین حالا به زیر علامت سؤال برده است، سرنوشت شرکت های مضاربه ای است. این شرکت ها نیز نوعاً موسسات مالی خصوصی بودند و ظاهراً به جذب پس اندازهای مردم و استفاده از آنها در امر سرمایه گذاری اشتغال داشتند، اما در واقع این شرکت ها کانون های فساد و تباهی مالی و محلی بودند برای بالا کشیدن پول های مردم. هیچ معلوم موسسات جدید نیز چنین سرنوشتی پیدا نکنند.

شرم یک حس شریف انسانی است

"من به صراحت اعلام می کنم که در جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کجای دنیا حقوق بشر رعایت می شود و ما حاضریم با هر کسی که غیر از این ادعا کند مناظره کنیم". این سخن کسی است که متاسفانه "رئیس جمهور" کشور ما است. او با خون سردی پرشگفتی در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود چشم در چشمان یک ملت دوخته و در حضور ۱۸۰ خبرنگار حرفی زده است که هم خود نزد وجدان خویش خوب می داند دروغ محض است و هم خوب می داند هیچکس نیست که آن را باور کند.

می گویند شرفیان، از جمله ایرانیان، راحجبی هست که در دیگران به این حد نیست و در هیأت این آقای رئیس جمهور آنچه نیست ذره ای از این حس شریف انسانی است.

سخن از سال ها پیش نیست. سخن از روزهای پرتب انقلاب نیست که صدها هزاران نفر بی پر خودداری از وکیل مدافع و محاکمه عادلانه اعدام شدند. سخن از آن ماههای خونین سال های ۶۰ و ۶۱ نیست که هزاران جوان و نوجوان در شعله های خشم دژ خیما سوختند. سخن از سالهای ۶۷ و ۶۸ و آن کشتارهای هولناک زندانیان سیاسی نیست. آری سخن از گذشته ها نیست.

سخن از زجری است که هم امروز امیران نظام ها و سعیدی سیرجانی ها و صوفی ها باید آن گرفتارند. سخن از همه ی آن جان هایی است که هم امروز زیر تیغ استبداد در زندان ها پرپر میزنند و پیر می شوند. سخن از احمد صدر لا هیجانی، این آخرین قربانی تروریسم برون مرزی این رژیم و از هزاران انسان دیگری است که حتی در خارج کشور سوسایه ی گروه های تروریستی اسلامی را پشت سر خود می بینند.

سخن از آزادی بی قید و شرط احزاب سیاسی، استقلال کامل رادیو و تلویزیون، مطبوعات، جدایی کامل دین و دولت و برابری کامل زن و مرد در میان نیست. سخن از کشوری است که در آن حتی رنگ لباس هم آزاد نیست. آواز زن حرام است. سخن از کشوری است که مجازات یک طنز حتی اعدام است.

آقای رفسنجانی از حقوق بشر در کشوری حرف می زند که بیش از ۳ میلیون اتباع فریبخته اما ناراضی آن، از جور رژیم جلاوی وطن کرده اند. آواز وضعیت حقوق بشر در کشوری دفاع می کند که در آن حق حکومت از آن رهبری است که نه برگزیده مردم است و نه تابع قانون، کشوری که طبق قانون، قوانین آن مردم آن باید همیشه مطیع و هیر باشند. هر چهار سال یک بار مردم فراخوانده می شوند که رای دهند کدام کس یا کسان در اجرای منویات آن "رهبر" شایستگی بیشتر دارند.

ویژگی برجسته ی رئیس جمهور "کشور ما" مهارت فریب اودر کشف و ارائه راه های حفظ و دوام یک رژیم قرون وسطایی در پانزده قرن بیستم است. هیچ کس در این رژیم نیست که به خوبی این شخص تشخیص دهد

ادامه در صفحه ۲

دولت آلمان در اختیار جمهوری اسلامی قرار می دهد: تجهیزات کامپیوتری برای ردیابی مخالفان

دولت آلمان موافقت کرده است کامپیوتر پیچیده و مجهزی را در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار دهد که با آن می توان رد مخالفان را در داخل و خارج کشور پی گرفت. روزنامه ساندی تا پمز که این خبر را منتشر کرده است، می نویسد آنچه که دولت آلمان در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار می دهد، تجهیزات جاسوسی پیشرفته شامل کامپیوترها و نرم افزارهایی است که برای ردیابی مخالفان در داخل و خارج طراحی شده است. گفته می شود در مقابل تحویل چنین تجهیزاتی، تهران تعهد کرده است از این امکانات برضد مخالفان رژیم اسلامی در آلمان استفاده نکند.

در یکسال گذشته این دومین بار است که خبر همکاری اطلاعاتی دولت آلمان با دولت جمهوری اسلامی در زمینه اطلاعاتی و امنیتی به بیرون درز پیدا می کند. گذشته بموازات ادامه کار دادگاه رسیدگی به ترور میکونوس در برلین، روزنامه های آلمانی فاش ساختند که میان بن و تهران همکاری اطلاعاتی و امنیتی گسترده ای وجود دارد و دولت آلمان تا کنون دو کامپیوتر پیشرفته همراه با نرم افزارهای لازم جهت استفاده در امر امنیتی و اطلاعاتی در اختیار سازمان امنیت و اطلاعات جمهوری اسلامی قرار داده است.

یادداشت

بازی با "برگ عراق"

سفر اعلام شده و لا یتی بغداد به تعویق افتاد. این چندمین بار پس از برقراری آتش بس میان دو کشور است که هر بار خبر چنین رفتن و آمدن های بی منتش می شود، ولی سپس مسکوت می ماند. خبر این آخری چنان بود که گویا این بار دیگر مسئله جدی است و وزیر خارجه جمهوری اسلامی به بغداد خواهد رفت و طبعاً این امیدواری نیز تا حدی بوجود آمد که شاید بخشی از مسائل فیما بین، لا اقل مسئله باقی مانده اسرای جنگی که مسئله ای انسانی و مربوط به زندگی و سرنوشت دهها هزار انسان بیگناه در هر دو کشور است، فیصله یابد. اما چنین اتفاقی رخ نداد و عجیب آنکه معلوم نشد که در این یک ماه چه اتفاقی موجب تعویق - و در واقع لغو - این سفر شد.

آقای ولا یتی در مصور در اجلاس وزرای خارجه غیر متعهد ها بود که تصمیم سفر ایشان به بغداد اعلام شد. همان اجلاسی که قرار بود ولا یتی با همتای مصری خود مذاکره کند و از قرار انتظاراتی نیز از این ملاقات در تهران وجود داشت. بنظر می رسد اگر بتوان موجباتی برای لغو سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به بغداد پیدا کرد، در همین جاست. ظاهراً در دیدار آقای ولا یتی با همتای مصری اش، منظور بر آورده نشده و به همین دلیل آقای ولا یتی تصمیم گرفت به بغداد برود!

راست این است که قرار نبود - یا به احتمال قوی قرار این نبود - ولا یتی به بغداد برود. چرا که، در این دوسه سال گذشته رفتار و سیاست جمهوری اسلامی در ارتباط با عراق نه کوشش مسئولانه در حل و فصل باقی مانده مسائل جنگ میان دو کشور علی الخصوص حل مسئله اسرا، که در اساس بازی با "برگ عراق" در کشاکش پنهان و آشکار با عربستان و مصر است. تاکنون تقریباً چنین بوده که هر بار جمهوری اسلامی در برابر فشار محور ریاض - قاهره قرار گرفته، فوراً نگاهش متوجه بغداد شده است. نگاهی که پیام تهدید آمیز قرار گرفتن تهران در کنار بغداد علیه عربستان را با خود دارد. از این نظر، این مورد آخری هیچ کم و کسری نداشت. دیدار یک ماه پیش ولا یتی با وزیر خارجه مصر در قاهره ظاهراً به نتایج مورد نظر تهران دست نیافت. از آنسو، عربستان مانع برگزاری مراسم براثت امیر شمرین شد و همتر از آن شاه فهد در پیام سالانه خود به مناسبت مراسم حج، برای نخستین بار شخصاً ادعای امارت بر سه جزیره ایرانی را مطرح کرد و فوراً به کار افتاد. اما اندکی بعد وقتی اجلاس اوپک و مسئله بهای نفت، بویژه گاندیداتوری ایران برای دبییر کلی اوپک پیش آمد، سفر آقای ولا یتی به بغداد به مدت نامعلومی به تعویق افتاد! شاید بتوان گفت این کلی دیپلماسی جمهوری اسلامی در منطقه در مقابل محور عربستان سعودی و مصروسا بر متحدان آنهاست: بازی با برگ عراق

در مناسبات بین المللی نمی توان بر چنین بازی هایی چندان خرده گرفت. اما باید دید که این بازیها تا چه میزان تأمین کننده منافع و مصالح یک کشور است. در مورد کشور ما این دیپلماسی هیچگاه تأمین کننده منافع ایران نبوده و نیست. جمهوری اسلامی به جای تغییر در اساس سیاست خارجی خود و استفاده از امکانات مساعد و مشروع بین المللی برای دفع هر گونه فشار سوء احتمالی، با دست خود برای کشور ما مشکل آفرینی می کند. و برای رفع این مشکلات که بخش زیادی از آنها را خود بوجود آورده، ناچار به موجودی چون صدام حسین روی می آورد که کشور ما بیش از هر کشور دیگر در منطقه از سیاستهای رژیم او آسیب دیده است. با چنین سیاستی، عملاً مشکلات میان کشور ما و عراق همچنان لا ینحل مانده است که اگر پاره ای از آنها تحمل پذیر باشد، مسئله انسانی بزرگی چون مسئله اسرا تحمل ناپذیر است. تا کی باید زندگی و سرنوشت هزاران انسان بیگناه قربانی این دیپلماسی کیف گردد؟

شرم یک حس شریف ...

ادامه از صفحه ۱

تضاد میان ولایت فقیه و نیازهای جامعه ما تا چه حد است. او "صادقانه" میخواهد (نه اینکه می تواند) سیاست هایی با اجرا گذاشته شوند که تن ندادن به آنها مرگ زودرس رژیم را رقم می زند. اما "مهارت" رئیس جمهور فراتر از این است. او در همین حال این را نیز خوب می داند که یا تن دادن به کدام سیاست ها و یا نیازها رژیم ولایت فقیه قالب تهی می کند.

آقای رفسنجانی هم خوب می داند که جامعه ما تا چه حد نیازمند استقرار دموکراسی و رعایت چه حد از حقوق انسانی است و هم خوب می داند که این نیاز تا چه میزان با رژیم ولایت فقیه و هیات حاکمه ای آن بیگانه است. مهارت این رئیس جمهور آنست که تشخیص داده است این بار راه مفید آن نیست که دموکراسی و حقوق بشر به سیاق سنگ شدگان مذموم و مضراً اعلام شوند. راه مفید به سیاق رفسنجانی اینست که چنان بشیرمانه و خوشترسد در این باره دروغ گفته شود که کسی را شهادت ترید در آن باقی نماند.

آقای رفسنجانی، بنام رئیس جمهور، مخالفان را به مناظره پیرامون وضع حقوق بشر در ایران دعوت کرده است. این دعوت پوچ و غیر جدی است. آنقدر غیر جدی است که هیچ واکنش را از هیچ سو برتیا نگيخته است. او یک رئیس جمهور ضعیف و بی اختیار است. او خود می گوید همه چیز در این مملکت تابع رای و اراده ی ولی فقیه است. حرف او مفت و بی پشتوانه است.

مگر نه اینکه سران رژیم به شمول شخص وی، نه دهها، که صدها بار تاکنون از سوی طیف مخالفان به مناظره تلویزیونی فراخوانده شده اند؟ هم او هم تک تک سران این حکومت می دانند که مناظره و شرکت مخالفان در آن نیش خنجر است بر سینه ولایت فقیه.

رئیس جمهوری اسلامی ایران دودروغ بزرگ را در آن واحد با هم در آمیخته است. شاید به این امید که در صفت مخالفان، شهادت و عزم اعتراض علیه آن رنگ بازدهد و شاید به این امید نیز که عظمت این دروغ قدر او را در چشم جامیان برجسته تر کند. او گفته است حقوق بشر در ایران بیش از دیگر کشورها رعایت می شود و او حاضر است با هر کسی که جز این ادعا دارد مناظره کند. ادعای رعایت حقوق بشر در ایران به

در حاشیه سفر ولا یتی به آلمان و معاون وی به فرانسه

حقوق بشر با زهم قربانی معاملات پشت پرده خواهد شد؟

می نشیند. حکومت اسلامی تاکنون در اکثر این معاملات موفق بوده است.

از این رو، این نگرانی بجاد برین نیزوهای اپوزیسیون ایران وجود دارد که دولت های آلمان و فرانسه در دیدارهای اخیر با گردانندگان رژیم حاکم بر ایران در مورد رای دادگاه برلین و تشکیل دادگاه متهمین به قتل بختیار به معامله نشسته و بار دیگر حقوق بشر را قربانی نماید.

فعالیت های اپوزیسیون در سالهای اخیر در افشا نقش رژیم اسلامی در ترور مخالفین قابل توجه بوده است. در شرایط کنونی نیز نیروهای اپوزیسیون باید افکار عمومی و سازمانهای مترقی بین المللی را از خطر سازش و زدو بند دولت های آلمان و فرانسه آگاه سازد و با این دولت ها فشار آورند که دادگاه برلین مستقلانه رای خود را صادر نماید و دادگاه متهمین قتل بختیار هر چه سریعتر تشکیل گردد.

قبل در معامله با رژیم اسلامی دوتن از عاملین قتل کاظم رجوی را بجای اینکه به دولت سوئیس تحویل دهد، آزاد کرد تا راهی تهران شوند. در آن زمان مقامات دولت فرانسه گفتند که "منافع ملی" فرانسه چنین ایجاب می کرد. دولت آلمان نیز مدتی قبل طراح اصلی ترور برلین یعنی فلاحیان (وزیر اطلاعات رژیم اسلامی) را به آلمان دعوت کرد و فلاحیان در دیدار با مقامات آلمانی از آنها خواست که از برگزاری دادگاه برلین خودداری کنند.

به تجربه دیده شده است که غرب همواره منافع اقتصادی و سیاسی خود را بر مسئله حقوق بشر و مبارزه با تروریسم ارجح می شمارد و پراحتی آنها را قربانی می کند. سران حکومت اسلامی بخوبی از این برخوردارند و از آن بیشترین بهره را بسود خود می گیرند. رژیم اسلامی مخالفین خود را در غرب ترور می کند و زمانی که قاتلین دستگیر شدند، بر سر آزادی آنها به معامله

این دیدار اظهار داشت که پاره ای مشکلات گذشته بین دو طرف در حال برطرف شدن است و روابط خوب ایران و فرانسه منافع زیادی برای هر دو کشور در بردارد.

این دو دیدار در بین محافل اپوزیسیون ایران، نگرانیهایی را برانگیخته است. نگرانی از سازش و معامله پشت پرده. تلاش رژیم اسلامی همواره این بوده است که با معامله گری و با زدو بند های پشت پرده مقاصد شوم خود را پیش ببرد. سران حکومت بشدت نگران اعلام رای دادگاه برلین و تشکیل دادگاه متهمین به قتل بختیار هستند. آنها واهمه دارند که دادگاه برلین رسماً رژیم اسلامی را طراح ترور برلین اعلام کند و متهمین را محکوم نماید و دادگاه با پاریس نیز همانند مورد برلین به کانون افشاگری تروریسم رژیم تبدیل شود.

اما جانب دیگر این معاملات کشورهای اروپایی و در حال حاضر فرانسه و آلمان هستند. فرانسه مدتی

ولا یتی وزیر امور خارجه رژیم اسلامی در مسافرت به آلمان با هلموت کهل صدراعظم و کینکل وزیر امور خارجه و برخی مقامات دیگر این کشور دیدار و مذاکره نمود. خبر گزارها اعلام کردند که بدنبال این مذاکرات، هلموت شیمکوس مهندس و گرهارد باخمان بازرگان آلمانی که از مدتها پیش در ایران زندانی بودند، مورد عفو قرار گرفتند. هلموت شیمکوس قبلاً در دادگاههای جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده بود. در مورد علت این تصمیم خبری منتشر نشده است بهمین خاطر معلوم نیست که دولت آلمان در مقابل آزادی دو تبعه خود چه امتیازی به رژیم اسلامی داده است؟

محمود واعظی معاون وزارت خارجه نیز از فرانسه دیدار کرد و در ملاقات با فرانسوا میتران پیام رفسنجانی را بوی تسلیم نمود. در مورد مضمون این پیام نیز هیچ خبر رسمی انتشار نیافته است. میتران در

دیدار رئیس ادواری جامعه اروپا از ایران

همچنین در رابطه با مسئله ی بوسنی و هرزه گوین گفت که ما معتقدیم با تلاش کلیه ی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران باید از طریق راه های دیپلماتیک و مسالمت آمیز صلحی عادلانه را در منطقه ی بالکان برقرار کنیم.

وزیر خارجه ی یونان در دیدار با ولا یتی در رابطه با موضوع گری اخیر جامعه ی اروپا در مورد جزایر سه گانه گفت: بیانه ای که به تازگی از طرف جامعه ی اروپا در مورد جزایر سه گانه ی ایرانی صادر شده هیچ وجه نقطه نظرات جامعه ی اروپا نبوده است بلکه فقط نظرات امارات متحده ی عربی در این بیانه ملحوظ شده است.

وزیر خارجه ی یونان و رئیس ادواری جامعه ی اروپا در آس یک هیات سیاسی بمدت دو روز از ایران دیدار و با مسئولین جمهوری اسلامی درباره ی گسترش روابط ایران با اتحادیه ی اروپا و بحران بالکان و اوضاع خلیج فارس گفتگو کرد.

به گزارش روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری اسلامی، وزیر خارجه ی یونان ضمن اشاره به اهمیت نقش ایران در منطقه گفت: به رغم خواست برخی عوامل بر عدم پیشرفت همکاری ها، اکثر کشورهای اروپایی خواهان توسعه ی روابط حسنه و بر اساس احترام متقابل با ایران هستند. البته در این گزارش اشاره ای به عوامل مخالف همکاری ها نشده است. وی

به اتهام تلاش برای انفجار سفارت اسرائیل

۱۳ ایرانی در تایلند بازداشت شدند

دستگیر کرد. به گفته پلیس قصد انفجار در سفارت اسرائیل در میان بوده است.

جمهوری اسلامی نسبت به دستگیری ایرانیان مذکور واکنش نشان داد. به گفته راد یوتهران سفیر تایلند به وزارت خارجه احضار شد و مراتب اعتراض جمهوری اسلامی به وی ابلاغ گردید. دولت تایلند بعداً تکذیب کرد که جمهوری اسلامی در این مورد اعتراضی به آن کشور تسلیم کرده باشد.

واکنش شتابزده تهران، این گمان را تقویت کرد که در قصد انفجار در سفارت اسرائیل نزد دست رژیم اسلامی در کار بوده است.

۱۳ ایرانی به اتهام تلاش برای انفجار سفارت اسرائیل، در تایلند بازداشت شدند. دستگیر شدگان حسین شهریار فرید، بابک طاهری و کاظمی نام دارند. برای یک ایرانی دیگر بنام لطف الله محمدی حکم بازداشت بین المللی صادر شده است.

به نوشته روزنامه های تایلند، پلیس این کشور در ماه مارس گذشته، کامیونی را در نزدیکی سفارت اسرائیل کشف کرد که در آن مقدار زیادی مواد منفجره جاسازی شده بود. پلیس، شهریار فرید را به عنوان راننده این کامیون و عامل قتل یک تایلندی که جسدش بعداً در مخزن گازوئیل این کامیون پیدا شد،

همان اندازه و قبحانه است که ادعای آمادگی رژیم برای مناظره با مخالفان. محال است اینان امروز با مدعیان گرد یک میز بنشینند. مشکل در انتخاب موضوع بحث نیست. آمادگی رژیم ولایت فقیه به گفتگوی آشکار با مخالفان آغاز پایان این رژیم است.

ما مدعی هستیم که دموکراسی در ایران به نحوی خشن سرکوب می شود و کارنامه این حکومت در زمینه حقوق بشر تماماً سیاه است. و این نه ادعای فدائیان خلق که اعتقاد همه ی کسانی است که به دموکراسی و حقوق بشر معتقدند. آزاد یخواهان ایران همواره آماده اند که برای اثبات گفته خود با همین مسئولان حکومتی در برابر رسانه های همگانی به مناظره بنشینند. اما حقیقت اینست که دعوت آقای رفسنجانی دروغی است به درشتی همان درکی که ایشان از حقوق بشر دارند.

پیام تسلیت به مناسبت

درگذشت دکتر مهدی آذر

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فقدان شخصیت برجسته ملی و علمی کشور، دکتر مهدی آذر عضو بنیاد نگار چپه ملی ایران را به خانواده ایشان و همه هواداران آرمان های ملی و دموکراتیک تسلیت می گوید.

باشد که تلاش مشترک همه ی آزاد یخواهان و ایران دوستان به تحقق اهداف شریف آن فقید یاری رسانند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جمعه ۲۰ خرداد ۱۳۷۳

مراسم یادبود دکتر مهدی آذر ...

ادامه از صفحه ۱

انقلاب مدتی مسئول انتشار نشریه پیام جبهه ملی بود و با آغاز سرکوب نیروهای سیاسی کشور از سوی حکومت اسلامی ناگزیر به مهاجرت شد. دکتر آذر چندی پیش در آمریکا فوت کرد. جسد وی به تهران انتقال یافت و روز چهارشنبه ۱۸ خرداد طی مراسمی به خاک سپرده شد.

"کار" درگذشت دکتر مهدی آذر را به خانواده، بستگان و دوستان وی در جبهه ملی تسلیت می گوید.

از لغو مراسم توسط مسئولین مسجد، از چاپ اطلاعیه های مجلس ترحیم دکتر آذر در روزنامه اطلاعات ابراز "تاسف" کرده و این شخصیت مبارزو پزشک دانشمند را "عنصر معلوم الحال" معرفی کرده است.

دکتر مهدی آذر یکی از بنیانگذاران و رهبران جبهه ملی بود و مدتی نیز ریاست شورای مرکزی جبهه ملی را بر عهده داشت. پس از

سفر وزیر کشور به ترکیه

ترکیه را به عنوان یک سازمان تروریستی می شناسد.

در چهارچوب دیدار بشارتی از ترکیه کمیسیون همکاری های امنیتی مشترک ایران و ترکیه در سطح کارشناسان به ریاست معاونان وزرای دو کشور آغاز به کار کرد. بشارتی در دیدار با خانم تانسو چیلدر به مسئله تأخیر در پرداخت خسارت ناشی از بیماراران مناطق مرزی ایران توسط هواپیما های ترکیه اشاره کرد و نخست وزیر ترکیه در این باره به او قول مساعد داد.

چیلدر نخست وزیر ترکیه در پایان دیدار با بشارتی اعلام کرد که وی در مورد جلوگیری از فعالیت مخالفان رژیم جمهوری اسلامی به وزیر کشور و استانداران دستورات مؤکدی داده است.

شده مقامات رژیم های دو کشور از سال ها پیش در راه های اخیردها تن از پناهندگان سیاسی و مخالفان حکومت های ایران و ترکیه به طرف مقابل تحویل داده شده اند.

علی محمد بشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی هفته ی گذشته در رأس یک هیات سیاسی، امنیتی و پارلمانی به ترکیه رفت. وی در این سفر با سلیمان دمیرال رئیس جمهور، تانسو چیلدر نخست وزیر، ناهد مننشه وزیر کشور و حکمت چنین وزیر خارجه ی ترکیه دیدار کرد.

بشارتی در مصاحبه با خبرنگاران ترکیه گفت: دشمنان ترکیه هیچ گونه پایگاه و جایگاهی در خاک ایران ندارند. تهران بشر مشکلات ترکیه واقف است و دشمنان آن کشور را به مثابه دشمنان خود تلقی می کند.

وی با اشاره به برگزاری اجلاس سه جانبه ی وزیران خارجه ایران، ترکیه و سوریه در ماه آینده اعلام کرد که پی گیری رویدادهای شمال عراق در این اجلاس از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. او در مورد تحولات شمال عراق گفت: ایران و ترکیه از تمامیت ارضی عراق حمایت می کنند و دو کشور در زمینه ی مبارزه با تروریسم همکاری نزدیک دارند و ایران حزب کارگران کرد

مشترک کار شوید!

احمد صدر لاهیجانی در بغداد ترور شد

بنا بر گزارش های رسیده تروریست های رژیم اسلامی در بغداد یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران به نام احمد صدر لاهیجانی را به قتل رساندند. جسد احمد صدر لاهیجانی روز دوشنبه نهم خرداد در بغداد به خاک سپرده شد. صدر لاهیجانی از قربانیان متعدد سیاست ترور دولتی جمهوری اسلامی در خارج از کشور است.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران با سر استفاده از وضعیت آشفتگی مرزهای عراق و داخل این کشور، تروریست های خود را با لباس میدل به درون این کشور روانه می کند و در آنجا به ترور مخالفین رژیم می پردازد.

ما همواره سیاست های تروریستی رژیم اسلامی حاکم بر ایران را محکوم کرده و اعلام کرده ایم تنها با هم گامی و همکاری تمامی نیروهای اپوزیسیون است که امکان لگام زدن بر سیاست جنایتکارانه این رژیم مستبد در زمینه ترور مخالفین به وجود خواهد آمد. مبارزه با ترور حکومت اسلامی راهی جز این ندارد.

طی اجتماعی در لندن شرکت کنندگان خواستار قطع جنگ در کردستان عراق شدند

روز سه شنبه گذشته به دعوت اتحادیه میهنی کردستان عراق، اجتماع بزرگی در لندن تشکیل گردید که در آن شرکت کنندگان خواستار قطع جنگ میان سازمانهای کرد عراقی در کردستان عراق شدند. ۱۲ سازمان کرد از جمله حزب کارگران ترکیه (پ.ک.ک) و حزب دمکرات کردستان ایران، همچنین حزب کمونیست عراق از این دعوت استقبال کرده و شرکت در این اجتماع را پذیرفتند.

مصاحبه رفسنجانی با خبرنگاران داخل و خارج

هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور ایران دو هفته ی پیش در یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت ۱۸۰ خبرنگار داخلی و خارجی شرکت کرد و به سوالات گوناگون آنان پاسخ داد.

رفسنجانی در این مصاحبه در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره ی صدور انقلاب اسلامی گفت: با وجود ماهواره ها، صحبت این است که ما فکرمان را چگونگی به خارج صادر و آن را مطرح کنیم و هر کس که مایل باشد این فکر را خواهد پذیرفت و هر مکتب صاحب فکری نیز این چنین عمل خواهد کرد.

وی درباره ی احتمال ریاست جمهوری مجدد اظهار داشت، ما مایل هستیم که قانون اساسی تغییر نکند و بطور کامل اجرا شود. من تصور می کنم اگر وظایفم را در این ۸ سال به خوبی انجام دهم، نیازی به تجدید انتخاب من نباشد و کارها طبق روال خوبی پیش خواهد رفت.

رفسنجانی درباره ی سیاست خصوصی سازی در کشور گفت: خصوصی سازی سیاستی است که از برنامه ی اول آغاز شده و در برنامه ی دوم نیز ادامه خواهد یافت و ما این سیاست را بر اساس قانون اساسی به طور تدریجی انجام می دهیم. اخیراً بورس فعال تر شده و در شهرستان ها نیز بورس شعبه باز خواهد کرد. مشارکت سرما به گذاری خارجی نیز بر اساس قوانین ما مانعی ندارد و کسانی که مایل باشند در محدوده ی قانون اساسی سرما به گذاری کنند، پذیرفته می شوند.

خبرنگار ریلیر اسپان فرانسه سوال کرد که آیا وی برنامه های ماهواره را شخصاً می بیند و نظرش در این باره چیست؟ رفسنجانی در جواب گفت: ما ماهواره مسئله ای تازه ای در کشور ماست و بیحت های گوناگونی را از سلیقه های مختلف برانگیخته است و طرحی نیز در مجلس مطرح شده است و نمایندگان فرصت کافی دارند که پیرامون آن بحث کنند و نظر نهایی در آنجا مشخص می شود. من خودم فرصت این که بنشینم و برنامه های ماهواره را ببینم ندارم و

اما اگر فرصتی پیش بیاید و برنامه ی جالبی باشد ممکن است ببینم. رئیس جمهور درباره ی اختلاف میان او و خامنه ای اعلام کرد: روابط ما از بهترین نوع روابط معمول بشری است، من از پیش از ۴۰ سال پیش با ایشان در سنگر مبارزه بوده ایم و بعد از انقلاب هم همیشه با هم بوده ایم. ما آن قدر از نظر فکر و سلیقه با هم نزدیک هستیم که من حاضرم برای هر موضوعی کاغذی را امضاء کنم و به ایشان بدهم تا نظر من را بنویسند. ایشان هم گویا چنین تعبیری داشتند.

رفسنجانی درباره ی کشته شدن ایرانیان مخالف در خارج از کشور ادعا کرد: این که آقای خبرنگار درباره ی قتل برخی افراد ایرانی در خارج گفته صحیح نیست و یک اتهام است. وی درباره ی اظهارات خامنه ای مبتنی بر اینکه "با تمام قدرت باید حدود الهی را اجرا کرد ضمن آنکه آنها (خارجیان) به خاطر رعایت حدود الهی ما را (جمهوری اسلامی) متهم به نقض حقوق بشر در کشور می کنند" گفت: یک وقت بحث تبلیغات است، معلوم است که آنها امکانات تبلیغاتی شان بیشتر از ماست... اگر تبلیغات است که شما رسانه ها باید کار خودتان را بکنید. ولی اگر عمل است که ما مدعی هستیم که واقعا در جمهوری اسلامی با توجه به موازین اسلامی و قانون اساسی ما بیشتر از هر جای دیگر دنیا، حقوق بشر مراعات می شود و حاضریم در هر جایی هم مناظره کنیم.

یک روزنامه نگار ژاپنی درباره ی رد استعفای وی توسط خامنه ای و وجود یک جریان سیاسی و خزنده ای که در صدد تضعیف دولت است، سوال کرد. رفسنجانی پاسخ داد، ما در ایران به جریان خزنده ای داریم که در صدد تضعیف دولت برآید، واقعا چنین جریان شکل یافته ای نداریم، نه هیچ وقت به مغز من خطور کرده که استعفا بدهم تا استعفا بپذیرم نشده باشد.

وی درباره ی استفاده ی زنان از

در حاشیه رویدادها

کیهان واقعا عوام فریب است

در مصاحبه اخیر رفسنجانی با رسانه ها پلمیک کوتاهی بین او و خبرنگار روزنامه کیهان بوجود آمد که احتمالاً توجه خیلی ها را بخود جلب کرد. این پلمیک که متن آن در همین شماره کار چاپ شده، درباره ورود اجناس آمریکایی به کشور بویژه کالا های بی چون کوکا کولا که به گفته کیهان جنبه "سمبلیک" هم دارد، بود. در پاسخ رفسنجانی دو نکته بود، از آن نکاتی که در میان دروغ های رفسنجانی که معمول اوست گاه ها پیدا می شود و انصافاً هم باید آنها را تأیید کرد. او به کیهانی ها گفت شما تحریک می کنید و سمبلیک بودن کوکا کولا هم عوامانه است. یعنی عوام فریبی می کنید.

به هنگام بخش متن مصاحبه از یاد یوتویزیون و همینطور چاپ آن در روزنامه این پلمیک میان رفسنجانی و خبرنگار کیهان تا حدی ماست مالی شد. ولی خود کیهان "سعه صدر" به خرج داده و در کار راجد آگاهانه این تکه از مصاحبه را بطور کامل چاپ کرد. اما این "سعه صدر" کیهانی ها مانع از آن نشد که انسان واقعا تأیید کند رفسنجانی درست گفته و این کیهانی ها هم تحریک می کنند و هم عوام فریب هستند.

این دو "حسن" کیهان را باید به صفت دیگر آن یعنی پرونده سازی برای دیگران اضافه نمود. آخر وقتی اقتصاد و سیاست و حتی هر جنبه دیگری از زندگی در ایران را "دلار" تعیین می کند و این "عول" سرفراز-همین دلار آمریکائی - حداقل دوسالی است که خواب از چشم مسئولان نظام اسلامی ربوده، انگشت گذاشتن روی کوکا کولا چه معنایی جز عوام فریبی و تحریک می تواند داشته باشد؟

بدعت وزیر کشور گل کرده است!

پول داخل پاکت گذاشتن و به هنگام مصاحبه های مطبوعاتی به خبرنگاران "هدیه کردن"، همین چند ماه پیش و برای نخستین بار توسط وزیر کشور آقای بشارتی باب شد. پاره ای از خبرنگاران این "هدیه وزیر کشور" را چون حکایت سخنان تلخ نخواهی، دهنش شیرین کن تعبیر کردند، که هر چند حقیقت داشت اما آقای وزیر کشور سخت از آن تعبیر برآشت.

کشیده شدن این ماجرا به روزنامه ها و علنی شدن آن، مانع از این نشد که دیگر وزرای حکومت از این کار دست بردارند و این نوع "هدیه دادنها" را مفید به حال خود ندانند.

آخرین هدیه از این نوع را آقای مهندس محلوجی وزیر معادن و فلزات به خبرنگاران داده است. این بار نیز ماجرا به روزنامه ها کشیده شد. اما گویا قبح کار چنان از بین رفته که دیگر کک کسی نمی گزد. به دستور آقای محلوجی ۲۵ قطعه بن ۲۰۰۰ ریالی را در پاکت قرار داده و به هر یک از خبرنگاران "هدیه" کرده اند. آنهم در یک جلسه معارفه و با تأکید بر اینکه باید میان وزارت خانه آقای محلوجی و ارباب جراید همکاری وجود داشته باشد!

شرط آذری قمی برای مرجعیت خامنه ای

یکبار در همین ستون، از صراحت آقای آیت اله آذری قمی در بیان نظراتش - هر چند عقب مانده و ارتجاعی هم باشند - صحبت شد. این بار نیز نظری از ایشان در روزنامه های تهران چاپ شده که باز هم به این "حسن" ایشان - صراحت نظر - دلالت دارد. آذری قمی در پاسخ به یک "استفتا" درباره صلاحیت مرجعیت علی خامنه ای، شرطی به میان آورده که تعبیر درست آن آشکارا نفی صلاحیت خامنه ای برای مقام مرجعیت است. او نوشته است: "حضرت آیت الله خامنه ای... یا توجه به واجد بودن شرایط رهبری و امامت، در صورت اعلمیت در فرقه یا تساوی با دیگران، شایسته ترین فرد برای احراز مقام مقدس مرجعیت می باشد."

زن شروع به دلداریش کردم که مسئله ای اداری است و موضوع ساده ای است و ربطی به سیاست و این حرف ها ندارد... خودم رایه لودگی زدم که اگر فردا یا دو هفته ای دیگر یاد دوسال دیگر آمدم و در خانه رازدم و به جای همین فارسی شکسته بسته ام با زبان چینی مثلاً گفتم در را باز کنید، مبادا وحشت کنید و بیگانه ام پندارید و از خانه ام برانید، بلکه یقین بدارید که زبانم عرض شده است و پس... حال و هوای اوین خاصیت منقلب کننده ای دارد. وقتی رئیس حزب الحاد دستگیر می شود و با اقامت چند روزه ای در آنجا یکباره تغییر ماهیت می دهد و مسلمان معتقد موحدی از کار درمی آید و بر زندگی سیاسی پنجاه ساله اش خط پلان می کشد، چه تضمینی در کار است که پدر هردمبیل دمد می مزاجان با گذاری بدان سرزمین عجایب تبدیل به چینگ چونگ چانگ نشود؟... از اینها گذشته، اگر همین فردا شب خدایی ناکرده یکی از شماها به سراغ تلویزیون متروک رفتید و به جای برنامه های البته متنوع موعظه و

طلبان و فراماسون ها و صهیونیست ها، اینها را نگویید که دفاعی ندارم. فقط بگویید سعیدی اتهامش فراموشی بود. فراموشی وجدان که همه ای اتهامات را دربر دارد. در خاتمه از همه ی عزیزان این مرزوبوم عذر می خواهم و آرزو دارم روزی مرا ببخشند و نزد مسئولین کشور نیز با شرم و خجالت درخواست عفو می کنم.

در واقعیت آنچه که سعیدی سیرجانی در ۹ سال پیش نوشته است جای هیچ شبهه ای نیست اما بر صحت آنچه بر برگ های بازجویی و خطاب به "بازجوی عزیز؟!" نگاشته شده، جای تردید بسیار است.

چه متن نامه به سعیدی دیکته شده و وی تنها آنرا باز نویسی کرده باشد و چه وی شخصاً اقدام به نوشتن آن نموده باشد، نشو و یه نگارش نامه هیچ شباهتی به شیوه ی نگارش معمول سعیدی سیرجانی ندارد و این خود به تنهایی نشان دهنده ی فشار و شکنجه ی روانی شدیدی است که بر این نویسنده و پژوهشگر وارد آمده است.

محتوای نامه نیز عیناً تکرار اتهاماتی است که وزارت اطلاعات رژیم به او نسبت داده است. سیاهه ای از اتهامات که هر یک به تنهایی در جمهوری اسلامی با مجازات های سنگین همراه است. در نامه وعده ی "افشاگری در

اعترافات سیرجانی ساختگی...

فروریخت... حال با گذشت حدود دو ماه از بازداشتی که هم شاهد اقتدار شما بودم و هم رحمت و رأفت، هم جدیت و هم انس و الفت واقعا به این نتیجه رسیده ام که قفل دل را گشوده و حداقل خود را سبک کنم.

در ادامه به ارتباط با ساواک شاه، مخالفت با انقلاب اسلامی و تماس با ساواکی ها و نظامیان متواری در خارج کشور و قول مساعدت و کمک های مالی آنها اشاره می شود و در پایان می آید: "و اینها را خواهم گفت اما در فرصت های بعدی، چرا که امروز قصدم افشاگری نبود که برای آن زمان بیشتری لازم دارم. امروز می خواستم درد دلی کنم با شما (بازجو) که تا دیروز با شما غریبه بودم. اما الان آرزو دارم در کوچه پس کوچه های شهر معرفت و خلوصتان به سقف دالان های کوچک و حقیرتان جایم دهید و مرا بپذیرید.

من امروز در مقام اعتراف به همه ی جرائم و اتهامات نیستم که فکر هم می کنم پذیرش آنها تسلیم در مقابل حق است ولی اگر خواستید محاکمه ام کنید نگویید به جرم تریاک، به جرم ارتباط با عوامل ساواک و سیا، به جرم تأیید بقای و ارتباط با او، به جرم تماس با سلطنت

گرفتار کوتاه آستینان!

۹ سال پیش سعیدی سیرجانی نویسنده و پژوهشگری که چند ماه است درواز چشم همگان در زندان های مخوف جمهوری اسلامی بسر می برد در کتاب "ای کوتاه آستینان" چنین نوشت: "... چه معلوم که به محض رسیدن به آنجا مجرم را بگیرند و مدعی نشوند که سعیدی گدایی خود هستی. خودت هستی که با اجاب زد و بند داشته ای، از پادوهای حزب رستاخیز بوده ای... و امثال این جرایمی که ادعایش آسان است و بر اثنتش مشکل... خوب اگر در این حال و هوا جناب قاضی... زیر حکم اعدام امضاء گذاشت تکلیف زن بیره و بیچه های بی پدر مانده چیست؟ چه سالها باید بدون تانام مرا از سیاهه ی منافقین و طاغوتیان به فهرست شهیدانتقل کنند... شب را به هر نحوی بود تظا هر به خفتن کردم و علی الصباح عیال را فراخواندم که سری به زندان اوین می زنم و برمی گردم و با تغییر قیافه ی ناگهانی

ادامه از صفحه ۱
خود نوشته است. این نامه چنین آغاز می شود:
"بازجوی عزیز
با سلام، از اینک که از وقت و زندگی خود ساعت ها صرف من کردید بسیار ممنون و متشکرم و وقتی بر ایام گذشته مروری می کنم از خودم بیزار می شوم و از اینکه لجاجت هایی با حقیقت آرمان شما و صداقت همکارانتان کردم، شرمندگی بر من مستولی می گردد.
اگر خدا بخواهد با فرصتی که پیش آمد وعهدی که با خدا بستم می خواهم همه چیز را اعتراف کنم نه بخاطر اینکه خوش رقصی نزد شما کرده باشم که نه من اهل آن هستم و نه شما نیازمند آن، بلکه اعتراف می کنم تا کمی و فقط کمی از عذاب وجدانم کاسته شود و اگر فرصتی پیش آمد جبرانی لمافات.
من هر چند به دلیل اعتیاد و نگهداری تریاک و ارتباط با شبکه ای از عناصر پلید تریاک دستگیر شدم و فی الواقع در روزهای اول بازجویی هم تصور این بود که شما به بهانه ی تریاک قصد برخورد با نوشته های مرا دارید... هر چند جرائم ارتکابی در خصوص تریاک با مسائل سوء اخلاقی به حد کافی محکمه پسند و مستند است لیکن به مرور با شروع بازجوییهای امتیعی دیوارهای ساخته شده در اطراف ذهن من به یکباره

پاسخ وزیر به نمایندگان مجلس

به دنبال افزایش شدید نرخ مکالمات تلفنی، تعدادی از نمایندگان مجلس، غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن را مورد پرسش قرار دادند. سئوال کنندگان مدعی شدند که شرکت مخابرات برخلاف آنچه مجلس در مورد بودجه سال ۷۳ تصویب کرده قیمت هر پالس تلفن را از ۱۰ به ۱۲ ریال افزایش داده است.

غرضی در سخنرانی خود در مجلس، این ادعا را رد کرد و گفت افزایش نرخها مطابق قانون بوده است. او گفت: هیچ اتفاق خلاف قانونی به هیچ وجه رخ نداده است و مصوبات و مقررات نظام حکومتی دست افراد نیست. غرضی ضمن رد کردن این ادعا که مسئولیت افزایش نرخها به عهده وزارتخانه اوست، گفت: من هیچکاره هستم و فقط فرمانبردار نظام و دولت و مجلس می‌باشم. نمایندگان سئوال کننده، توضیحات وزیر را قانع کننده ندانستند و سئوال مجدد به کمیسیون بازگشت.

ناراضی‌هایی نمایندگان مجلس از گران شدن خدمات دولتی تا کنون از حد یک رُست مردم دارانه جلوتر نرفته است و حتی یک وزیر نیز بدلیل دست داشتن در گرانی‌ها از کار برکنار و یا استیضاح نشده است. وزرا خود، این راه خوبی می‌دانند و از تهدیدات و سئوال و جوابهای مجلس بیمی ندارند. غرضی در دفاع از عملکرد خود بر نکته‌ای انگشت گذارد که کاملا واقعی است. مسئول گرانی‌ها در درجه نخست نه این یا آن وزیر و وزارتخانه، بلکه مجموعه نظام و دولت و مجلس می‌باشند.

تلاش متحجران در کاهش تحجر!

علی خامنه‌ای رهبر رژیم اسلامی در جریان سفر سه روزه خود به استان کهگیلویه و بویراحمد و دیدار با روحانیون این استان نسبت به ترویج برخی مسائل خرافی در جامعه اظهار ناخوشی و نگرانی کرد و گفت: قلمه زنی از کارهای خلاف، جهل و نادرست است. خامنه‌ای ارتباط قلمه زنی با دین و عزاداری مذهبی را نفی کرد و قلمه زنی را خلاف و بدعت خواند. خامنه‌ای همچنین گفت در شرایط حاکمیت اسلام در کشور اعمالی این چنین چهره رژیم اسلامی را در اذهان جهانیان خدشه دار می‌کنند. او روحانیون را به مقابله با خرافات به دین فراخواند.

رفسنجانی رئیس جمهور، احمد جنتی و سازمان تبلیغات اسلامی از سخنان خامنه‌ای پشتیبانی کردند. وزارت کشور نیز با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن دعوت از مردم برای خودداری از هر گونه عمل خلاف شرع به ویژه قلمه زنی، دستور ممنوعیت قلمه زنی دستجات سینه زنی و هیئت‌های عزاداری را به نیروهای انتظامی ابلاغ کرد. این اولین باری نیست که سران

پاسداران جمهوری اسلامی در بوسنی

به نوشته‌ی روزنامه‌ی واشنگتن تایمز بر اساس گزارش‌های منتشر شده از طرف منابع اطلاعاتی آمریکا، بیش از ۲۰۰ تن از پاسداران جمهوری اسلامی از طریق کرواتس به بوسنی اعزام شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، پاسداران اعزامی که اوایل ماه مه به منطقه وارد شده‌اند به همراه خود مقدار زیادی اسلحه و مواد منفجره هم وارد کرده‌اند. این پاسداران قصد دارند گروه‌های مسلمان بوسنی را همانند نیروهای حزب الله لبنان سازماندهی کنند. مطابق این گزارش‌ها این نیروها در عملیات علیه صرب‌ها و همچنین عملیات تروریستی در سایر مناطق اروپا بکار گرفته خواهند شد. به نوشته روزنامه‌ی واشنگتن تایمز فعالیت‌های پاسداران از طریق سفارت ایران در زاگرب پایتخت کرواتس هدایت می‌شود.

لازم به تذکر است که چندی پیش جمهوری اسلامی به سازمان ملل پیشنهاد کرد که در چهارچوب اعزام نیروهای سازمان ملل به بوسنی، نیروهای ایرانی نیز به این منطقه اعزام شوند ولی این پیشنهاد از طرف سازمان ملل پذیرفته نشد. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بعدا گفت علیرغم این مخالفت جمهوری اسلامی به وظایف سیاسی محذوبی خود در بوسنی عمل خواهد کرد. این درحالیست که ولایتی در مصاحبه‌ای که با یک روزنامه‌ی مصری داشته است ضمن تأکید در حمایت ایران از مسلمانان بوسنی صدور هر گونه اسلحه‌ای به بوسنی را تکذیب کرده است.

امتیاز هفته‌نامه "حوادث" لغو شد

اخیر نشان داد که نشریه حوادث درصدد نشر اکاذیب، ترویج منکرات و اشاعه فحشاء در سطح جامعه است و علیرغم تذکراتی که به این نشریه داده شد معایب موجود اصلاح نشد و هیأت نظارت تصمیم گرفت امتیاز آن را لغو کند. مدیر مسئول و صاحب امتیاز نشریه "حوادث" علی آقامحمدی نماینده‌ی پیشین مجلس شورای اسلامی است.

امتیاز انتشار نشریه هفتگی "حوادث" از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات لغو شد و از این پس از چاپ آن جلوگیری خواهد شد. حسین کامران نماینده‌ی قوه قضائیه در هیأت نظارت در این رابطه گفت: انتشار داستان‌های مبتذل و بی محتوا و عکس‌ها و تصاویر خلاف عفت عمومی عوامل اصلی جلوگیری از انتشار این نشریه بود. وی افزود: بررسی‌های بعمل آمده طی ماه‌های

تحریک‌های گوناگون

اعتصاب در اصفهان

کارخانه ریسندگی و بافندگی زاینده رود اصفهان، به علت بدی زیاد و نبود مواد اولیه تعطیل شده است. کارگران این کارخانه در اعتراض به تعطیلی کارخانه هر روز در محوطه مقابل آن جمع شده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود می‌شوند. بنا بر یک خبر دیگر در کارگاه سنگبری در اصفهان و شهرهای اطراف آن به خاطر افزایش قیمت برق در اعتصاب بسر می‌برند. گفته می‌شود هزینه برق هر کارگاه تا ۱۰ برابر افزایش یافته است. بنا بر همین خبرها، رانندگان کامیون نیز به دلیل پایین بودن کرایه‌ها، دست به اعتصاب زده‌اند.

مکالمه تلفنی در داخل با زهم گران می‌شود

محمد غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن اعلام نمود که حق مکالمه‌ی تلفنی داخلی در صورت تصویب مجلس شورای اسلامی افزایش خواهد یافت. غرضی گفت: بر اساس لایحه‌ای که به مجلس ارائه شده است حق مکالمه‌ی تلفنی به نسبت کوچکی و بزرگی شهرها بین ۲ تا ۴ ریال در هر پالس افزایش خواهد یافت.

غرضی در رابطه با افزایش هزینه‌های پستی گفت که در این زمینه ۵۵ سال در سازمان برنامه و بودجه کار کارشناسی انجام شده بود و این افزایش قیمت همراه با قانون بودجه سال ۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

تاسیس رشته زبان و ادبیات آذری در دانشگاه تبریز

رئیس دانشگاه تبریز در گفتگویی با خبرنگاران داخلی اعلام کرد که ایجاد رشته‌ی زبان و ادبیات آذری در دانشگاه‌های ادبیات و زبان‌های خارجی (۱۹) دانشگاه تبریز در دست بررسی است. وی گفت کلیات واحدهای قابل ارائه در این رشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

امسال ۱۳۱ هزار نفر دانشجو می‌شوند

دکتر حسین رحیمی رئیس سازمان سنجش آموزش کشور اظهار داشت که ظرفیت نهایی پذیرش دانشجو در مرحله دوم آزمون سراسری سال ۷۳ دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی کشور از میان یک میلیون و ۱۱۲ هزار و ۵۸۷ نفر شرکت کننده، حدود ۱۳۱ هزار نفر خواهد بود. از این تعداد حدود ۴۰ هزار نفر در گروه ریاضی-فنی و ۳۵ هزار نفر در گروه تجربی و ۵۹ هزار نفر در گروه علوم انسانی و بقیه در گروه هنر و زبان‌های خارجی به دانشگاه‌ها راه می‌یابند. امسال ۱۰ هزار نفر از ظرفیت پذیرش دانشجو کاهش یافته است که مربوط به کاهش سهمیه داوطلبان مراکز تربیت معلم می‌باشد.

اجرای طرح "یاران معروف" در مدارس

جنتی رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر رژیم همزمان با اعلام برنامه‌های هفته‌ی امر به معروف و نهی از منکر و برشمردن فعالیت‌های ستاد در سال گذشته، در گفتگویی با خبرنگاران داخلی اعلام کرد که این ستاد با همکاری وزارت آموزش و پرورش، پس از بررسی طرح حجاب در مدارس، طرحی را بنام "یاران معروف" تدوین کرده است که احتمالاً از سال آینده در مدارس اجرا خواهد شد.

تلویزیون بین‌المللی راه‌اندازی می‌شود

لاریجانی سرپرست سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام کرد که این سازمان قصد دارد از سال آینده شبکه‌ای بین‌المللی به نام سروش راه‌اندازی کند. وی تنها مشکل رادرجریان راه‌اندازی تلویزیون بین‌المللی تا مین اعتبار آن دانست و گفت به محض تأمین بودجه بخش برنامه‌های بین‌المللی آغاز خواهد شد. وی همچنین گفت که سیما صبح جمهوری اسلامی نیز در حال طراحی است و برنامه‌سازی آن مشکلی ندارد و در صورت تأمین اعتبار بخش برنامه‌های آن شروع خواهد شد.

گمرک بازرگان در آستانه تعطیل کامل

در نتیجه‌ی مقررات جدید ترخیص کالا که توسط شورای عالی اقتصاد اعلام شده است گمرک بازرگان به حالت تعطیل درآمده و تعداد زیادی از شرکت‌های حمل و نقل که در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده بودند ورشکسته شده‌اند. بر اساس مقررات جدید، کالاها مستقیماً از بنادر ترکیه توسط کامیون‌های خارجی باگیری و به داخل کشور تا مقصد حمل می‌شوند. در نتیجه تعداد زیادی از کامیون‌داران منطقه بیکار شده‌اند. حذف گمرک بازرگان به عنوان پایانه‌ی ترخیص کالا، تردد مسافرینزود این گمرک به حداقل رسیده است؛ به طوری که از ۲۵ واحد مهمان پذیر منطقه تنها یک واحد فعال می‌باشد.

تشکیل کمیته ملی بیابان‌زدایی

وزارت جهاد سازندگی ایران بر اساس توصیه کنفرانس جهانی توسعه و زمین که چند سال پیش در ریود ژانیرو و با شرکت سران کشورهای گوناگون تشکیل جلسه داد، پیشنهاد تشکیل کمیته‌ی ملی بیابان‌زدایی را ارائه داد. کنوانسیون بین‌المللی بیابان‌زدایی که مراحل پایانی تشکیل خود را طی می‌کند مقرر کرده است که کشورهای جهان برنامه‌های بلند مدت بیابان‌زدایی را تدوین و ظرفیت و نیازهای خود را برای اجرای این فعالیت‌ها مشخص کنند تا بر اساس آن نحوه‌ی همکاری‌های بین‌المللی و ارتباطات فنی و مالی در سطح جهان تعیین شود.

پانزدهمین دوره مسابقات جهانی فوتبال آغاز شد

تلویزیون ایران مسابقات امسال جام جهانی را مستقیماً برای فوتبال دوستان پخش می‌کند



تیم ملی پرزیل بسیاری از نگاه‌ها را متوجه خود ساخته است. آیا جام بعد از ۲۴ سال دوباره به این سرزمین فوتبال خیز خواهد رفت

سهمیه ورود به دانشگاه‌ها برای ورزشکاران

به منظور بالا بردن سطح کیفی ورزش دانشگاه‌ها تلاش می‌شود که کنکور از پیش پای ورزشکاران برداشته شود. منوچهر نظری دبیر فنی انجمن فوتبال دانشگاه‌ها در پی سخنان فوق تأکید کرد: اداره کل تربیت بدنی دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی کشور تلاش‌هایی برای برداشتن این مانع از پیش پای ورزشکاران کرده است. افت عمومی در تمامی زمینه‌های ورزشی، مسئولان را به فکر چاره‌جویی انداخته است. از اینکه مانعی به نام کنکور از راه تعدادی جوان ورزشکار تشنه تحصیل برداشته می‌شود، نمی‌توان

قرعه کشی فوتبال جام برتر آسیا انجام شد

مراسم قرعه کشی بازیهای فوتبال قهرمانی آسیا که در مهرماه سال جاری در شهر هیروشیما ژاپن برگزار می‌شود، انجام شد. تیم ایران با تیمهای ملی عمان بحرین - ازبکستان و یمن در گروه یک قرار دارد و برای دفاع از مقام قهرمانی خود به میدان می‌رود. بازیهای قهرمانی فوتبال جام آسیا از روز ۹ مهرماه آغاز می‌شود. این دوره از بازیها با حضور ۲۲ تیم در ۵ گروه برگزار می‌گردد و حریفان در هر گروه به صورت دوره‌ای به مصاف هم خواهند رفت.

والیبال نشسته ایران قهرمان جهان شد

تیم ملی والیبال نشسته ایران در مسابقات قهرمانی جهانی که در شهر بویتروپ آلمان برگزار شد، یک بار دیگر به مقام قهرمانی دست یافت. در این دوره از مسابقات مجموعاً ۱۰ تیم شرکت داشتند که در ۲ گروه به رقابت پرداختند. تیم ملی ایران با تیمهای ملی اسلونی، فنلاند، مصر و هلند در یک گروه قرار داشت. تیم ملی ایران در دور مقدماتی از سد تیمهای فنلاند (۰-۳)، اسلونی (۰-۳)، هلند (۱-۳) گذشت و در فینال با نتیجه ۳ بر صفر تیم نروژ را مغلوب کرد.

دولت جمهوری اسلامی ۴۵ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد

درباره بدهی خارجی جمهوری اسلامی تاکنون ارقام متفاوتی از سوی مسئولان و مقامات رژیم اسلامی بیان شده است که در برخی موارد تفاوت میان ارقام به دو وجتهی سه برابر می‌رسد. آخرین اظهار نظر در این باره مربوط به هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور رژیم اسلامی است که میزان بدهی خارجی دولت را حدود ۴۵ میلیارد دلار اعلام کرد. در حالیکه، همین سه هفته پیش عادل رئیس بانک مرکزی گفته بود که میزان بدهی خارجی ایران تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۸ میلیارد دلار است.

بخش از بدهی‌های دولت است که زمان بازپرداخت آن سرآمده است و ۲۷ تا ۲۸ میلیارد دلار تعهد خارجی نیز قرض‌هایی است که مهلت بازپرداخت آن هنوز فرا نرسیده است ولی بهر حال دولت بد حکاراست. به این ترتیب و با استناد به سخنان رفسنجانی، مجموع بدهی‌های خارجی دولت (سررسید شده و نشده) حدود ۴۵ میلیارد دلار است. خود رفسنجانی از جمله کسانی بود که تاکنون چنین میزان بدهی خارجی را انکار می‌کرد و آنرا رقم ناچیز که مشکل برای دولت ایجاد نمی‌کند، اعلام می‌کرد.

کمبود بودجه در مهمترین زمینه‌ها

شده. وی با اشاره به افزایش ناچیز بودجه وزارت مزبور نسبت به سال پیش تا کید کرد محلی برای تاسیس مراکز درمانی جدید و افزایش تخت‌های بیمارستانی وجود نخواهد داشت و تنها تکمیل پروژه‌های در دست اقدام مد نظر خواهد بود. مردی گفت خواست شرکت‌های داروسازی خارجی مبنی بر بازپرداخت بدهی‌های ایران به این شرکت‌ها در کنار درخواست پول پیش فروش داروها موجب کمبود داروهای حیاتی در بازار شده است. مهندس علاقمندان قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در امور اجرایی نظام جدید آموزش متوسطه در مصاحبه‌ای گفت بودجه این وزارت تنها کفاف پوشش ۶۰ درصد دانش آموزان فعلی دوره متوسطه را می‌دهد. وی تنها راه حل این معضل را تقویت بخش غیر دولتی در سرمایه گذاری‌های آموزشی و پولی کردن تحصیل برای اقشار مرفه

تتهامی توانند ۱۰۰۰ دلار ارز خارج کنند

مسافران خارج

بانک مرکزی جمهوری اسلامی هفته گذشته میزان ارز مجازی که هر مسافر خارج می‌تواند همراه داشته باشد را یک هزار دلار اعلام کرد. این میزان قبلاً ۳ هزار دلار بود. تا هنگام اعلام این تصمیم با آنکه هر مسافر رسماً مجاز بود ۳ هزار دلار ارز خارج کند، اما از چند هفته پیش ماوران گمرک به هیچ مسافری اجازه نمی‌دادند بیش از هزار دلار ارز همراه خود داشته باشد. تصمیم اخیر بانک مرکزی اقدام دیگری است که در جهت کنترل بازار آزاد ارز و برای جلوگیری از سقوط بیشتر ارز ریال اتخاذ شده است. هنوز تصمیم دولت درباره دیگر نیازهای ارز از جمله ارز دانشجویی و ارز برای مصارف درمانی پزشکی که بر بازار تقاضای ارز تأثیر می‌گذارد، روشن نیست.

بانک جهانی ۱۵۷ میلیون دلار وام در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد

به نوشته روزنامه‌های تهران، بانک جهانی برای اجرای طرح بهسازی و بهبود شبکه آبیاری، شامل زهکشی، تسطیح اراضی واحداث شبکه‌های مدرن در ۱۴ استان کشور و امی بلند مدت به مبلغ ۱۵۷ میلیون دلار در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌دهد. این پول در طرح بهسازی پروژه‌های آبیاری در استانهای خوزستان، آذربایجان غربی، اردبیل و مازندران هزینه خواهد شد.

کارهای مطالعاتی این طرح که از دو سال پیش شروع شده، هم

تصمیمات جدید!

از تصمیمات جدید بانک مرکزی برای کاهش میزان تقاضا و تثبیت نرخ ارز چه خبر؟! هفته گذشته...
گفتم "تصمیمات جدید!" صبح دیروز...
بابا جان، گفتم "تصمیمات جدید!"
ظهور امروز...
عجب آدمی هستی، چرا متوجه نیستی؟ عرض کردم تصمیمات جدید!
دو ساعت پیش...
نخبر، مثل این که متوجه منظورم نیستی!
نیم ساعت قبل...
دیگر داری کفرم را بالا می‌آوری!
ده دقیقه پیش...
کجای این مربوط به تصمیمات جدید است؟
صبر کن، یادم آمد. همین الساعه بانک مرکزی اعلام کرد در راستای تصمیمات جدید قبلی، تصمیمات جدید دیگری برای کنترل نرخ ارز اتخاذ کرده است که به موجب آن...
حیف که این تصمیمات قدیمی شد. بگو ببینم از تصمیمات جدید بانک مرکزی چه خبر داری؟!
..... "قطب الممالک" طنز و کاریکاتور از مجله گل آقا. شماره ۱۲

آب‌های ساحلی ایران

به شدت آلوده شده است

شکار بی‌رویه ماهی‌های استروژن در دریای خزر شده، امری که از یکسو تنزل فاحش قیمت خاویار در بازارهای جهانی و از دیگر سبب تشدید روند نابودی این گونه ماهی‌ها انجامیده است. به سبب هرج و مرج و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در جمهوریهای سابق شوروی، اتحادیه کشورهای ساحلی دریای خزر متأسفانه تاکنون عمل چندان در جلوگیری از تشدید آلودگی این دریا و رفع آلودگی‌های موجود به عمل نیآورده است. این اتحادیه که از کشورهای روسیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان تشکیل شده یکی از اهداف خود را پاسداری از محیط زیست و حفظ گونه‌های مختلف جانوران و گیاهان در دریای خزر اعلام کرده است. در همین حال روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از مدیر کل دفتر حفاظت از محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست ایران، خلیج فارس را آلوده‌ترین دریا جهان اعلام کرده است. این خلیج روزانه گذرگاه ده‌ها کشتی نفتکش است که مجموعاً حدود ۵ میلیون بشکه آب آغشته به مواد نفتی خود را در آبهای آن تخلیه می‌کنند. به گفته مقام مذکور کمی عمق، کندی جابجایی آب، تبخیر زیاد و تولید بخش اعظم نفت دنیا در این منطقه، از عوامل تبدیل خلیج فارس به آلوده‌ترین حوزه آبی دنیا می‌باشند. گفتنی است که در جریان جنگ ایران و عراق و نیز جنگ آمریکا و عراق به میزان آلودگی خلیج فارس افزوده شد و نشست نفت از کشتی‌ها و چاه‌های نفتی مورد حمله واقع شده سلامت آبهای آن را بیش از پیش در معرض خطر قرار داد. کناکش‌های سیاسی میان کشورهای منطقه و عدم همکاری آنها نیز مانع از هر گونه اقدام جمعی در رفع آلودگی خلیج فارس بوده است.

دریای خزر که به سبب وجود ماهی‌های کمیاب خاویار و استروژن از ارزشمندترین حوزه‌های آبی جهان بشمار می‌رود، به سبب آلودگی بیش از حد، شکار بی‌رویه و سهل انگاری نهادها و مقامات مربوط در کشورهای حاشیه آن به تدریج به مکانی خطرناک برای زیستندان دریایی بدل می‌شود و نسل پاره‌ای از ماهی‌ها و جانوران دریایی آن روبه نابودی می‌رود. دریای خزر از دو میلیون سال پیش زیستگاه ماهی استروژن (خاویاردار) بوده است و هم‌اکنون ۹۰ تا ۹۵ درصد خاویار سیاه جهان از این دریا تامین می‌شود. عارف منصور اف وزیر محیط زیست جمهوری آذربایجان در مصاحبه با نیوزیک با اشاره به روبه انقراض رفتن نسل فراوان‌ترین ماهی‌های استروژن در دریای خزر، علت را در سیاست‌های صنعتی دوران استالین و پخش لایه‌ای از نفت در سطح دریا دانسته است. به گفته منصور اف در گسترش صنایع در شوروی حفاظت از طبیعت و محیط زیست به هیچوجه مورد ملاحظه قرار نگرفته است. از اینرو سالها دهها هزار تن پس آب کارخانه‌های جمهوری‌های سابق شوروی به دریای خزر، ولگا و کورا وارد شده و زاد و ولد و تخم‌ریزی ماهیهای استروژن را مختل ساخته است. فعالیت‌های تب آلودی که در جمهوریهای ساحل دریای خزر پیوسته در جمهوری آذربایجان برای استخراج نفت صورت می‌گیرد نیز به ورود نفت به دریای خزر منجر شده که این خود عدم تبخیر کانی آب دریا، افزایش سطح آب و نتیجتاً تخریب مسیر حرکت ماهی‌های استروژن و دیگر جانوران سودمند دریایی را در پی آورده است. فقر و عدم کنترل کافی دولت‌های روسیه و آذربایجان بر صید ماهی نیز سبب هرج و مرج و

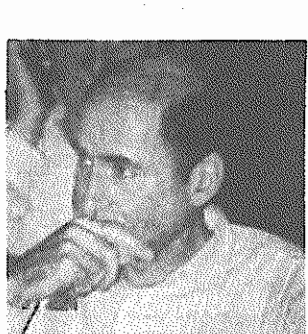
میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم، به علاوه ۲ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی و یک میلیارد دلار خدمات و به‌اضافه ۳۰ میلیارد دلار بدهی که سالی ۵ میلیارد می‌شود یعنی ما بطور متوسط در ۵ سال گذشته بین ۲۳ تا ۲۵ میلیارد درآمد داشته‌ایم. حالا با این ۲۳ میلیارد وضعیتمان به آنجا رسیده است که مجبوریم برای تعویق بدهی‌ها با چند کشور قرارداد ببندیم.

وی سپس با اشاره به تغییرات جدید ایجاد شده در زمینه‌ی سیاست تعدیل از قبیل قیمت گذاری گفت: نگرانی من اینست که این تغییرات یک تغییرات تاکتیکی باشد نه استراتژیک. نبوی در مورد عملکرد برنامه‌ی اول پیرامون کنترل تورم گفت: طبق برنامه‌ی اول در سال ۷۲ قرار بود تورم ۸/۵ درصد باشد که عملاً ۲۰/۲ درصد شد. وی تأکید کرد در کشور ما راه سیاست پیشگیری تورم همان راهی است که ما اول انقلاب در ستاد بسیج کردیم یعنی باید همان سهمیه بندی و دفترچه و تعاونی‌ها ادامه پیدا کند تا وقتی که تولید ملی رفت آنوقت این خود باعث تعادل اقتصادی می‌شود.

در همین جلسه از بهزاد نبوی سؤال شد که آیا وقت آن نرسیده که موسوی نخست وزیر سابق بتواند کاندیدای ریاست جمهوری در صحنه‌ی سیاسی جامعه ظاهر شود و مردم را از گرانی و تورم رهایی بخشد؟ وی پاسخ داد که موسوی اعلام کرده است برای اینکار آمادگی ندارد.

بهزاد نبوی:

سیاست تعدیل در همه مراحل شکست خورده است



مردم نیز از محل پول نفت تامین می‌شود. نبوی در توضیح گروه سوم گفت: در این گروه کشورهای عقب مانده صنعتی و کشورهای جهان سوم هستند که روش‌های سرمایه داری را در پیش گرفته‌اند نظیر کشورهای آمریکا، لائین، برزیل، آرژانتین ویا ترکیه و... در این کشورها تعادل بین عرضه و تقاضا از طریق افزایش تولید ملی بگونه‌ای که با قدرت خرید در نقطه‌ی پایین قیمت برابری کند ایجاد نشده بلکه تعادل بین عرضه و تقاضا در نقطه‌ی بالای قیمت‌ها ایجاد شده یعنی این کشورها آنقدر قیمت‌ها را بالا برده‌اند که تقاضا بسیار محدود شده و اکثریت مردم قدرت خرید ندارند. اگر در کشورهای دسته اول و دوم قیمت‌ها برای عموم مردم قابل قبول است در کشورهای گروه سوم منحنی عرضه در نقطه‌ای منحنی تقاضا را قطع می‌کند که قیمت‌ها بسیار بالاتر است و این قیمت‌ها برای تعداد بسیار کمی از مردم قابل قبول است. روشی که در کشور ما طی برنامه‌ی اول اجرا شد روش سوم بود.

مردم نیز از محل پول نفت تامین می‌شود. نبوی در توضیح گروه سوم گفت: در این گروه کشورهای عقب مانده صنعتی و کشورهای جهان سوم هستند که روش‌های سرمایه داری را در پیش گرفته‌اند نظیر کشورهای آمریکا، لائین، برزیل، آرژانتین ویا ترکیه و... در این کشورها تعادل بین عرضه و تقاضا از طریق افزایش تولید ملی بگونه‌ای که با قدرت خرید در نقطه‌ی پایین قیمت برابری کند ایجاد نشده بلکه تعادل بین عرضه و تقاضا در نقطه‌ی بالای قیمت‌ها ایجاد شده یعنی این کشورها آنقدر قیمت‌ها را بالا برده‌اند که تقاضا بسیار محدود شده و اکثریت مردم قدرت خرید ندارند. اگر در کشورهای دسته اول و دوم قیمت‌ها برای عموم مردم قابل قبول است در کشورهای گروه سوم منحنی عرضه در نقطه‌ای منحنی تقاضا را قطع می‌کند که قیمت‌ها بسیار بالاتر است و این قیمت‌ها برای تعداد بسیار کمی از مردم قابل قبول است. روشی که در کشور ما طی برنامه‌ی اول اجرا شد روش سوم بود.

بهزاد نبوی وزیر اسبق صنایع سنگین در یک جلسه سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی سیاست تعدیل اقتصادی دولت و عوارض آنرا مورد نقد و بررسی قرار داد. وی سیاست تعدیل اقتصادی را چنین تعریف کرد: برداشت من این است که تعدیل اقتصادی مجموعه‌ی سیاست‌هایی بود که در جهت ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار کالا، خدمات، پول و کلیه بازارها مطرح شده است. اوسیاست‌های اتخاذ شده برای تعادل عرضه و تقاضا در سطح جهان را به سه گروه تقسیم بندی کرد. نبوی در توضیح گروه اول گفت: در این گروه که کشورهای توسعه یافته و پیشرفته هستند، تعادل بین عرضه و تقاضا را از طریق افزایش تولید ملی ایجاد کرده‌اند. وی عرضه و تقاضای یک تعادل پایدار است و در این تعادل قیمت‌ها متناسب با قدرت خرید اکثریت مردم است و مردم نیز از یک حداقل زندگی مرفه برخوردارند. وزیر اسبق صنایع سنگین در مورد گروه دوم گفت: گروه دیگری از کشورهای جهان سوم و نروتمند هستند که تعادل بین عرضه و تقاضا را نه از طریق افزایش تولید بلکه از طریق فروش ثروت ملی به مقدار زیاد ایجاد کرده‌اند مانند عربستان یا شیخ نشین‌های خلیج فارس یا حتی ایران قبل از انقلاب. در این کشورها تعادل عرضه و تقاضا از طریق افزایش واردات (نه افزایش تولید ملی) ایجاد می‌شود و توان خرید

در حاشیه میزگرد "کیهان هوایی" درباره فروغ فرخزاد

معیارهای سنجش قد کوتاهان



"تسلیمه نسری"
هم مخفی شد

از خانواده‌های هندی رادقالب
رمانی ریخت که موجب خشم
حزب الهی‌های بنگلادش شد. آنها
سنگساروی را خواستار شدند و در
صدها هجوم به خانه‌اش برآمدند،
اما با مقابله پلیس تا کام ماندند.
لیکن نسری از آن پس مجبور شد
تحت مراقبت پلیس به زندگی ادامه
دهد.

چندی پیش نسری در
مصاحبه‌ای با یکی از نشریات هند
خواستار بازبینی قرآن مطابق با
روح و ضرورت‌های زمانه شد. دولت
بنگلادش برای آنکه از سوی
حزب الهی‌ها به تسمیح و غیراسلامی
بودن محکوم نشود فوراً حکم جلب
نسری را صادر کرد. نسری با
احساس این خطر که اگر دادگاه هم
دست از سرش بردارد، حزب الهی‌ها
راحتش نخواهند گذاشت، بسان
رشدی زندگی در خفا را برگزید. اما
موج اعتراضی که از سوی انجمن‌ها و
مخالفان زنان و گروه‌های مختلف
اجتماعی بنگلادش بر علیه حکم
دادگاه برخاسته، حکایت از آن دارد
که میدان هنوز به دست حزب الهی‌ها
نیفتاده و احترام به حرمت
اندیشه‌های انسان هنوز در برابر جهل
و واپسگرایی به زانو در نیامده است.

بهترین‌های ادبیات در خارج از کشور

دست و سبب و در عرصه نقد بهروز
شیدا با نقدهایی چون "در تمنای
زمان اسطوره‌ای و معصومیت" و
پرتونوی اعلای خاطر "شعور شک در
برابر حماقت یقین" عنوانهای نخست
را از آن خود کردند.

گفتنی است که در عرصه داستان
۱۵ نفر، شعر ۱۲ نفر و نقد ادبی ۱۴ نفر
نامزد دریافت جایزه نشر باران
بودند.

نشر باران در پایان بیانیه‌ای که
بمناسبت این گزینش انتشار داده،
می‌نویسد: "به خوبی می‌دانیم که
جایزه‌ی ده هزار کرون ما تنها ارزشی
نمادین دارد و بنا بر این ضمن تبریک
به برندگان، امیدواریم که برگ سبز
ما قدرانی کوچکی از همه کسانی
باشد که جان خویش را در راه تعالی
ادبیات در تبعید فرسوده می‌کنند."

تعلیق بر نامه‌های شاملو



سخرانی دعوت شده است. امید که
وی هرچه سریعتر بهبود خود را
باز یابد و بتواند پاسخگوی انبوه
مشاقان شعرها و سخنانش باشد.

موج بنیادگرایی در پاره‌ای از
کشورهای اسلامی که با عدم مدارا و
حذف اجتماعی و فیزیکی
دگراندیشان توأم است بیش از همه
گریبان روشنفکران و نویسندگان نو
اندیش ترقیخواه را می‌گیرد. منبع
انتشار آثار نویسندگانی که نسبت به
پاره‌ای از سنن و آموزه‌های سنتی و
مذهبی با دیدی انتقادی می‌نگرند و
ترور آنها به یکی از شاخص‌های
حیات اجتماعی و فرهنگی کشورهای
همچون مصر، الجزایر، سودان
و... تبدیل شده است. این روند به
بنگلادش که مردمانش به
مداراجویی و عدم تعصب معروف
بودند نیز سرایت کرده است. در این
راستا تسلیمه نسری نویسنده و
پژشک بنگلادشی که از چند ماه پیش
تنها با حفاظت پلیس از تهاجم
حزب الهی‌ها در امان بود، سرانجام
با شنیدن حکم جلب خود از سوی
دادگاه از خانه‌اش گریخت و اینک
مخفیانه زندگی می‌کند.

دو سال پیش هنگامی که
هندوهای افراطی برای تخریب
مسجد بابری به آن حمله ور شدند،
حزب الهی‌های افراطی بنگلادش نیز
مقابله با معابد و خانه‌های هندیان
مقیم این کشور یورش برده و آنها را به
آتش کشیدند. نسری در حال روزیگی

نشر باران در سوئد که یکی از
فعالترین انتشاراتی‌های ایرانی
خارج از کشور به شمار می‌رود امسال
نیز برای دومین بار به گزینش بهترین
آثار در قلمرو داستان، شعر و نقد
ادبی پرداخت و به برگزیدگان این
رشته‌ها جایزه‌ای به مبلغ ده هزار
کرون اهدا کرد.

داوران این گزینش را ۹ نفر از
چهره‌های شعر و ادبیات در خارج از
کشور تشکیل می‌دادند که از طریق
ارتباط مکاتباتی آرا خود را ارائه
کردند. بر اساس آرا نهایی این
داوران در گستره داستان شکره
میرزادگی یا داستان بلند "بیگانه‌ای
در من" و اکبر سردو زامی یا کتاب "من
هم بودم" بعنوان برترین‌ها شناخته
شدند. در قلمرو شعر عباس صفاری
بخاطر مجموعه شعر "در ملتقای

احمد شاملو شاعر و پژوهشگر
نامدار ایران که در سوئد بسر می‌برد
به خاطر بیماری و بستری شدن امکان
شرکت در سخنرانی‌هایی که در
استکهلم و گوتنبرگ برایش ترتیب
داده شده بود را نیافت و بدینسان
خیل ایرانیانی که برای شنیدن
حرفهای او روز شماری می‌کردند
ناچارند تا بهبود دوباره او منتظر
بمانند. شاملو که آذرماه امسال پایه
هفتاد سالگی می‌گذارد، خوشبختانه
از بیماری خطیری رنج نمی‌برد و به
گفته پزشکان معالجتش با یک
استراحت موقت حالش بهبود خواهد
یافت.

خبرها حاکی از آن است که
شاملو از سوی بسیاری از انجمن‌ها و
نهادهای فرهنگی ایرانیان در آمریکا و
اروپا برای شعر خوانی و ایپراد

مقابله عنودانه و ارتجاعی رژیم
با فروغ فرخزاد، که شعرهایش
تیلوری از شورزندانگی، ستیزا ستن و
آئین‌های واپسگرایانه و اولین حضور
احساس و درک زنانه در ادبیات
ایران است، پس از ۱۵ سال به
شکست انجامید و انتشارات اخیر
مجموعه آثار وی در تهران (البته با
برخی کاستی‌ها و سانسورها) از
اعتراف ضمنی حکومتگران به ناکامی
تلاش برای حذف و محو فروغ از
گستره ادبیات و فرهنگ میهن ما
حکایت دارد. با اینهمه مبلغان و
مطبوعات تجوی‌های رژیم از تک و تا
نیفتاده و در تلاشند از فروغ چهره‌ای
مخدوش و منطبق با درک و نگرش
واپسمانده خویش ارائه کنند. در
این راستا کیهان هوایی که در عرصه
فرهنگی سخنگوی قشری ترین و
عقب‌مانده ترین گرایشات درون
رژیم است نشستی ترتیب داده که در
آن سه شاعر و قلم‌زن "خودی" به
نام‌های عبدالعظیم صادقی،
ضیال‌الدین ترابی و پرویز عباسی
سیمایی نسبتاً قشری از فروغ ترسیم
کرده و کم مانده که وی را خواهر
فروغ خطاب کنند.

حرف‌هایی که در این نشست زده
شده ۴/۵ صفحه کیهان هوایی ۴
خرداد را سایه کرده مجموعه‌ادو، سه
هدف را دنبال می‌کند. نخست دو
بخش اول آن گویا همه صرف سرودن
شعرهایی در شرح لذات و
ادراکات، مسائل جسمی و جنسی
شده و از نظر آقایان نشانه انحطاط و
ابتذال اخلاقی فروغ بوده است و
بخش دوم که به زعم مدعیان کیهان
هوایی دوره رو آوردن فروغ به عرفان
و مذهب ورهایی از انحراف و ابتذال
شعری است. این درست است که
خود فروغ نیز از دوران اول فعالیت
هنری خود که کتابهای "اسیر"
، "دیوار و عصیان" محصول آن
است، چندان خرسند نیست و
سرایش مجموعه "تولد دیگر را"
آغاز گشت از این دوران و رسیدن به
درک و نگاهی نوبه شعر و زندگی
می‌داند، اما ارزیابی وی از دوره اول
و نیز دوره دوم فعالیت خود به کلی
متفاوت با برداشت‌ها و کژنگری‌های
آقایان است. نماینده کیهان هوایی
که هدایت بحث را به عهده داشته
می‌گوید: "در هر حال اگر با زبان
خودش شده باید نشان دهیم که
فروغ وقتی متوجه می‌شود که با
پاهای خود پله به پله به قعر منجلاب
و دوزخ فرو می‌رود، هشیار می‌شود و
آن وقت با آسوس و اندوه و با اظهار
ندامت از گذشته‌اش، تصمیم
می‌گیرد، خود را از آن منجلاب
نجات دهد... و یکی دیگر از
آقایان حاضر در بحث کتابهای
نخست فروغ را اینگونه توصیف
می‌کند: "شاعری که خود را به دلیل
چاپ و انتشار شعرهایی که چیزی جز
احساسات فریبنده جسمانی به
خواننده القا نمی‌کند، پیشاپیش
نکوهش کرده و هیچ در مقام دفاع از
کارهای آنچنانی خود بر نمی‌آید...
واقعیت اما این است که نگاهی نفی
آمیز فروغ به آثار اولیه‌اش از گسترده
شدن دید وی نسبت به انسان و
زندگی، درآمدن از غلاف ادراکات
و احساسات صرفاً شخصی،
شناخت هرچه بیشتر توانایی‌های
زبان و راهیابی فراتر عنصر تفکر به
شعرش ناشی می‌شود. خود فروغ در
این باره می‌گوید: "... نمی‌دانم
اینها شعر بودند یا نه، فقط می‌دانم
که خیلی من آن روزها بودم،
صمیمانه بودند. و می‌دانم که خیلی
هم آسان بودند. من هنوز ساخته

نشده بودم. زبان و شکل خودم را و
دنایای فکری خودم را پیدا نکرده
بودم. توی محیط کوچک و تنگی بودم
که اسمش را می‌گذارم زندگی
خانوادگی. بعد یکمرتبه از تمام آن
حرف‌ها خالی شدم. محیط خودم را
عوض کردم، یعنی جیرا و طبیعتا
عوض شد. (کتابهای) "دیوار و
عصیان" در واقع دست و پا زدن
مایوسانه در میان دو مرحله
زندگیست. آخرین نفس زدن‌های
پیش از یکتو ع رهایی است. آدم به
مرحله تفکر می‌رسد، در جوانی
احساسات ریشه‌های سستی دارند،
فقط جذبه شان بیشتر است. اگر بعد
بوسیله فکر رهبری نشوند، و یا نتیجه
تفکر نباشند، خشک می‌شوند و تمام
می‌شوند. من به دنایای اطرافم، به
اشیا اطرافم و آدم‌های اطرافم و

صدا البته درک و برداشت
و وحدت گرایانه فروغ ربطی به
ظواهر مخدوش کردن چهره
فروغ و ارائه سیمایی متحجر و غیر
واقعی از او چنان حضرات راه خود
مشغول داشته که از ذکر هر گونه
اباطیلی ابایی ندارند. ولی فروغ با
شعرو حرفهای خویش باطل السحر
همه این تقلاها و غلطگویی‌هاست.
او از همان هنگام که انسان و
سرنوشت وی در شعرش عمده‌گی
می‌یابد، نگاه‌ها امیدبخش و نگاه
نگرانش پیوسته متوجه اوست و نیک و
بد زندگی این انسان را به رفتار و
کردار خود وی ربط می‌دهد.
هموست که معنویتی جز حرمت و
هستی انسان نمی‌شناسد و کم رنگ
شدن انسان ورهایی وی در شعر کهن
را اینگونه به نقد می‌گیرد: "ببینید
موضوع شعر ایمان جقدر محدود
هستند. یا صحبت از معنویتی است
که آنقدر "بالا" است که دیگر
نمی‌تواند انسانی باشد و یا بلند و اندرز
و مرتبه و تعریف و هزل. (حرف‌هایی با
فروغ ص ۵۸)

توهمات و برداشت‌های من
در آوردی مدعیان کیهان هوایی
ندارد. نماینده کیهان هوایی در
بحث، می‌گوید: "... فروغ در
جایی گفته است که "ابدیت به نظر من
عبارت از تداوم انسان است در گل و
حیوان" و این که از نظر جسم انسان
ابدی نیست و اما این گفتار را تمام
می‌ماند و نا تمام ماندن به این دلیل
است که نمی‌تواند از نظر فلسفی قضیه
ابدیت را برای خود حل کند و یکی
دیگر از حاضرین (داکاتی) چنین
اظهار نظر می‌کند: "من نمی‌خواهم
بگویم تفکر فاروغ همان تفکر
عرفاست، اما بر این نظرم که این
تفکر نه تنها بادی و ماتریالیستی
نیست، بلکه کاملاً حال و هوای دینی
و مابعدالطبیعی دارد. "بحث گل
می‌اندازد و حاضرین با سفسطه و
مغلطه بسیاری کوشند تا فروغ را زنی
سنتی و سخت مذهبی جلوه دهند تا
جایی که یکی از آنها (ترابی)
می‌گوید: "لازم به تذکر است ایمان
به رستاخیز و ابدیت، عنصر اصلی
شعرو فروغ است."

فروغ در جایی از شعر "تولد
دیگر" بر پایه باور به پویایی و زایایی
هستی و زندگی می‌سراید: "دستهایم
را در باغچه می‌کارم / سبز خواهم
شد، می‌دانم، می‌دانم، می‌دانم / او
پرستوها در گردی انگشتان جوهریم /
تخم خواهند گذاشت. "ترابی با
اشاره به این شعر نظر مشعشعانه‌ای
ارائه می‌کند که در قوطی هیچ عطاری
یافت نمی‌شود: "دستهایم را در
باغچه می‌کارم سبز خواهد شد"
تناسخ نیست، این سبزی معاد است
و به رستاخیز اشاره می‌کند. "اما
قضیه به همین جا ختم نمی‌شود،
آقایان در اثبات دعوی بی‌اساس
خویش به سراغ شعر "کسی که مثل



هیچکس نیست تیزی روند.
یکی از آنها می‌گوید: "فروغ
تحقق اخیر الزمان را حس کرده
است... او در این شعرازی سخن
می‌گوید که صورتی روشنتر از صورت
امام زمان دارد. کسی که چراغ
مسجد را روشن می‌کند، که نورش
زمانی مثل "صبح سحر سبز بود،
نمادهایی مثل امام زمان، مسجد و
امثال آن به وضوح نزدیکی روحی
فروغ را با جریان اصیل مذهبی بر
آفتاب می‌افکند... رنگ سبزا
نمادی از لباس سبز محمد و آل
محمد (ص) است. "و دیگری
فرمایش می‌دارد: "آخرین حرفم این
است که این کسی که می‌آید آیا آن
موعود مورد نظر ماست. موعودی که
فروغ منتظر است موعود دینی است و
چهره مذهبی است."

ظواهر مخدوش کردن چهره
فروغ و ارائه سیمایی متحجر و غیر
واقعی از او چنان حضرات راه خود
مشغول داشته که از ذکر هر گونه
اباطیلی ابایی ندارند. ولی فروغ با
شعرو حرفهای خویش باطل السحر
همه این تقلاها و غلطگویی‌هاست.
او از همان هنگام که انسان و
سرنوشت وی در شعرش عمده‌گی
می‌یابد، نگاه‌ها امیدبخش و نگاه
نگرانش پیوسته متوجه اوست و نیک و
بد زندگی این انسان را به رفتار و
کردار خود وی ربط می‌دهد.
هموست که معنویتی جز حرمت و
هستی انسان نمی‌شناسد و کم رنگ
شدن انسان ورهایی وی در شعر کهن
را اینگونه به نقد می‌گیرد: "ببینید
موضوع شعر ایمان جقدر محدود
هستند. یا صحبت از معنویتی است
که آنقدر "بالا" است که دیگر
نمی‌تواند انسانی باشد و یا بلند و اندرز
و مرتبه و تعریف و هزل. (حرف‌هایی با
فروغ ص ۵۸)

فروغ در همان دوران حیاتش
در پاسخ به "نقادان" کهنه پرست و
منادیان آموزش‌ها و ارزش‌های
قرون وسطی چنین سرود: "در
سرزمین قد کوتاهان / معیارهای
سنجش / همیشه در مدار صفر سفر
کرده‌اند / چرا توقف کنم؟ / من از
عناصر چهارگانه اطاعت می‌کنم / او
کار تدوین نظامنامه قلبم / کار
حکومت محلی کوران نیست. این
واژه‌های فروغ مرز زمان را در
نور دیده و اینک نیز پاسخ کوبنده‌ای
است که نثار کوران حکومتگر معاصر
می‌شود، کورانی که جز به مرگ
نمی‌اندیشند، با اعمال خویش و از
قلم و زبان کارگزاران "فرهنگی‌اشان"
جز گرد مرگ و سکون بر جامعه
نمی‌باشند و به عبث سوای کزدیسه
کردن چهره‌های تابناک ادب و
فرهنگ میهن ما را در سر می‌پرورند.

فروغ در همان دوران حیاتش
در پاسخ به "نقادان" کهنه پرست و
منادیان آموزش‌ها و ارزش‌های
قرون وسطی چنین سرود: "در
سرزمین قد کوتاهان / معیارهای
سنجش / همیشه در مدار صفر سفر
کرده‌اند / چرا توقف کنم؟ / من از
عناصر چهارگانه اطاعت می‌کنم / او
کار تدوین نظامنامه قلبم / کار
حکومت محلی کوران نیست. این
واژه‌های فروغ مرز زمان را در
نور دیده و اینک نیز پاسخ کوبنده‌ای
است که نثار کوران حکومتگر معاصر
می‌شود، کورانی که جز به مرگ
نمی‌اندیشند، با اعمال خویش و از
قلم و زبان کارگزاران "فرهنگی‌اشان"
جز گرد مرگ و سکون بر جامعه
نمی‌باشند و به عبث سوای کزدیسه
کردن چهره‌های تابناک ادب و
فرهنگ میهن ما را در سر می‌پرورند.

به یاد حمید و یاران

اگر آنها میماندند...



جنبش فدائیان خلق ایران حاصل عزم و ایثار هزاران جوان پاک پرشوری است که در سال های دهه ۴۰ عزم تحقق آرزوهای بزرگ رادر برداشتند. صدها تن جان خویش را بدرقه این جنبش کردند و هزاران انسان سالهای عمر خویش را چه در زندانها و چه در حوزة ها و چه در خانه و کارخانه و مدرسه و دیگر جاها سپری کردند.

امادرمیان این هزاره دانه های مروارید ما، درشت دانه هائی هستند که در حفظ این جنبش و تعالی آن تکیه گاه یاران شدند. دانه هائی که اگر درخشش شگرف آن ها نبود بی گمان تلاش آن هزاران یار پاک باخته ی مادر لای سنگلاخ های دهشتناک دشمن کام، همراه باراز بقای این جنبش دفن می شد و درواز دسترس می ماند.

روز ۸ تیر روز زنده داشت یاد همه آن یاران رفته است که با نثار جان، بقای این جنبش را رقم زدند. ۸ تیر روز شهادت زنده یاد حمید اشرف و ۹ تن دیگر است. این روز میعادگاه دهها هزار یار و هوادار این جنبش است که با یاران رفته خویش، با همه آن آرزوهای نیکویی که آنان در در داشتند و بر سرش جان باختند پیمان بندند.

امادرمیان همه ی جان باختگان جنبش فدائی رفقای پی هستند که جایگاه خاص دارند و زنده یاد حمید اشرف در میان آنان جایگاه برجسته تر، نقش و تاثیر حمید در جنبش ما نقش کسی است که زمانی بود و نبودش، بود و نبود موجودیت سازمان شد. به همت و تلاش و توان سترگ او بود که تلاش استبداد حاکم و آن ساواک مخوف، برای نابودی فیزیکی فدائیان، نقش بر آب شد. حمید تنها کادر مجرب و توانمندی بود که پس از سیاهکل و ضربات سال ۵۰ مسئولیت حفظ

باز هم در مورد دعوت به میهن

بنا به گفته ی کمال خرازی نماینده ی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل هم اکنون نزدیک به یک میلیون نفر ایرانی فقط در آمریکا مقیم هستند که از نظر تحصیلات و امکانات در سطح بالایی قرار دارند و بسیاری از آنها با انگیزه و علاقه ی فراوان خواستار بازگشت به میهن و انجام خدمات مقطعی و یا بلند مدت در کشور هستند. وی اضافه کرد که هیأت نمایندگی ایران سعی کرده است در سال های اخیر امکانات ایرانیان را شناسایی کرده و بر اساس نیازهای موجود از این قشر عظیم در جهت بازسازی کشور استفاده کند. عبد خدایی رئیس کمیسیون آموزش عالی مجلس جمهوری اسلامی نیز در این رابطه ایرانیان مقیم خارج را به سه گروه تقسیم کرد. وی گروه اول را متخصصان نامید و گفت که مقدمشان گرامی است. گروه دوم از نظری و سرمایه داران و مدیران می باشد که اواز آنها به عنوان گروهی

سازمان را بر عهده گرفت. در بهار سال ۴۲، حمید ۱۷ ساله بود که به گروه جزئی پیوست. دو سال قبل تر از آن وقتی محصل سال سوم دبیرستان بود با بنیانگذاران گروه آشنا شد. او فرزند یک خانواده نسبتاً مرفه بود، پدرش سالها رئیس ایستگاه راه آهن تبریز بود. خانواده ای با فرهنگ و دانش دوست داشت. حمید سالهای دبیرستان را با موفقیتی تحسین انگیز تمام کرد و به دانشکده فنی راه یافت. او هوشی سرشار، دقیقی شگرف و عزمی استثنایی داشت. قهرمان بوکس نوجوانان بود. قهرمان شنای دانشگاهها شد. کوهنوردی استثنایی بود. وقتی تصمیم به رقابت می گرفت با اطمینان بسیار عمل می کرد. اعتماد به نفسی که حمید داشت زبانزد همگان بود، چه در دبیرستان، چه در دانشگاه و چه در سازمان. ویژگی برجسته حمید آن بود که خود را خیلی خوب می شناخت و توان ایتر ادا داشت که دیگران را نیز خیلی خوب بشناسد. او هرگز مسئولیتی نپذیرفت که توان انجامش را در خود نبیند. وقتی پس از ضربات سال ۵۰ او و گروهی از یاران بی تجربه تنها ماندند، گفته بود تا زمانی که رهبری در زندان است ما می توانیم و باید تمام بار مسئولیت حفظ سازمان را بردوش بگیریم، اما نمی توانیم و نباید تمام بار مسئولیت رهبری سازمان را بردوش بگیریم. چنین باری بردوش ما غیر واقعی است.

وجود حمید در سازمان برای همه ی اعضا - که تعدادشان در آن زمان هیچگاه به صد نرسید - همیشه معادل احساس امنیت بود. او تنها کسی بود که پس از شهادت نخستین رهبران سازمان در سال ۵۰، رژیم برای سرش جایزه تعیین کرد و عکسش را به دیوارها چسبانده بود. زنده ماندن او پاسخی شد به این سؤال که آری می توان به سازمان

بهار سال ۱۹۷۵ بود. نیکسون استفاده داده بود و جنگ ویتنام دولت آمریکا را به زانو افکنده بود. در هیچ دوره ای در سالهای پس از جنگ، آمریکا اینقدر ضعیف و همپیمانان او نبودند. شورش و انقلاب دهها کشور را بر لزه آورده بود. رژیم شاه تصمیم گرفت با تمام نیرو همه مخالفان و ناراضیان را چنان بکوبد که هیچ "خطری" برای رژیم باقی نماند. میزان شکنجه و اعدام و ترور به نحوی وحشتناک افزایش یافت. طی سالهای ۵۴ و ۵۵ پیش از سه برابر تمام سالهای قبل کشتار کردند و صد ها نفر را هم اسیر کردند. اما ضربه هولناک و فلج کننده روز ۸ تیر ۵۵ به سازمان وارد شد. از این روز

پوست و زنده ماند. در سالهایی که او مسئول حفظ سازمان بود، سازمان نه تنها باقی ماند، بلکه علیرغم سنگین ترین ضربات رشدی شگرف داشت. پذیرش نظرات جزئی، که حمید سخت مدافع آن بود - و تلاش قهرمانانه ی او، جنبش فدائی را به میان توده ی جوانان برد. "نبرد خلق" ارگان سازمان انتشار یافت. جزوات سازمان، در هزاران نسخه دست بدست می گشت. سازمان هزاران فدایی یافت. در تمام شهرها، در سراسر کشور

بهار سال ۱۹۷۵ بود. نیکسون استفاده داده بود و جنگ ویتنام دولت آمریکا را به زانو افکنده بود. در هیچ دوره ای در سالهای پس از جنگ، آمریکا اینقدر ضعیف و همپیمانان او نبودند. شورش و انقلاب دهها کشور را بر لزه آورده بود. رژیم شاه تصمیم گرفت با تمام نیرو همه مخالفان و ناراضیان را چنان بکوبد که هیچ "خطری" برای رژیم باقی نماند. میزان شکنجه و اعدام و ترور به نحوی وحشتناک افزایش یافت. طی سالهای ۵۴ و ۵۵ پیش از سه برابر تمام سالهای قبل کشتار کردند و صد ها نفر را هم اسیر کردند. اما ضربه هولناک و فلج کننده روز ۸ تیر ۵۵ به سازمان وارد شد. از این روز

بمناسبت ۸ تیر، روز شهادت فدائیان
اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

یاد فدائیان جان باخته، مبارزین راه آزادی و بهروزی ایران گرامی باد!

۸ تیر، سالروز شهیدان جنبش فدائیان خلق است، یاد آور روزی که گروهی از یاران ما و آغازگران جنبش فدائیان، در مقامی حماسی در برابر انبوه ماموران مسلح استبداد، جان خود را از دست دادند. رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشک بیجاری، محمدرضا پشربی، محمد حسین حق نواز، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهربان، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پوریاران جان باخته مادر روزخونین ۸ تیر ۱۳۵۵ بودند.

این رفقا اما، نه نخستین شهدای سازمان ما و نه آخرین آنها بودند. پیش از آنها دهها تن از فعالین، رهبران و بنیانگذاران سازمان پس از ۸ تیر ۱۳۵۵ نیز، صدها تن دیگر از فدائیان در مبارزه در راه آزادی و عدالت سروجان خویش فدا کردند. ۸ تیر روز بزرگداشت خاطره همه این جان باختگان و تجلیل از مبارزه سخت و دشوار آنهاست. روز گرامی داشت یاران و رفیقانی است که جز دفاع از حقوق و حرمت انسان و آزادی و آبادی میهن، سودایی دیگر در سر نداشتند و سرانجام نیز جان خویش را بر سر همین آرمانها گذاشتند. ۸ تیر تبلور مبارزه بی دریغ و همیشگی فدائیان خلق در راه آرمانهای نیک انسانی است.

همه ما که امروز هوای همین آرزوها را در سرداریم، در این سالروز خونین با خویش پیمان می بندیم که رهرو پاکباز همان آرمانها و شور و عشقی باشیم که آن جانباختگان در سر داشتند. یاد تمامی این جانهای شیفته را گرامی می داریم و به احترامشان سر تعظیم فرود می آوریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۸ خرداد ۱۳۷۳

- به هم برزنم دام این گرگ پیر**
- همان مرحله است این بیابان دور
 - که گم شد در ولشگر سلم و تور
 - همان مرحله است این جهان خراب
 - که دید است ایوان افراسیاب
 - نه تنها شد ایوان کاخش بیاد
 - که کس دخمه اش را ندارد بیاد
 - مغنی کجائی بگلبنگ رود
 - بیاد آور آن خسروانی سرود
 - به مستان نوید سرودی فرست
 - به یاران رفته درودی فرست
 - مغنی بزن خسروانی سرود
 - بگویا حریفان به آواز رود
 - که از آسمان مزدهی فرصتست
 - و ابرعدو عاقبت نصر تست
 - بیا ساقی آن جام صافی صفت
 - که بر دل گشاید در معرفت
 - بده تاروم بر فلک شیر گیر
 - بهم برزنم دام این گرگ پیر
- حافظ (ساقی نامه)

کاندید "جناح اقلیت" نایب رئیس دوم مجلس شد

● شعله سعدی: قصد داریم فراکسیون مستقل در مجلس تشکیل دهیم

ژوئن) درج شد گفت مادر صدد تشکیل فراکسیون مستقل ها در مجلس چهارم هستیم. وی جناح مستقل مجلس را متشکل از آن نمایندگان گانی خواند که به هر حال به یکی از دو جناح راست و چپ تعلق دارند، ولی دارای اندیشه ای مستقل هستند! شعله سعدی در پاسخ به سؤال خبرنگار سلام که آیا جناح اکثریت قصد حذف جناح وابسته به رئیس جمهور را دارد، گفت: یک بخشی از جناح راست علاقمند به رقابت جدی با رئیس جمهورند. به این دلیل من فکر می کنم کار آقای رفسنجانی با مجلس چهارم ساده تر از مجلس سوم نیست و مقداری کار حساس است. وی عقب نشینی رفسنجانی در مورد نوری، دکتر خاتمی، و دیگر نوری بخش از وزرای سابق کشور، ارشاد و اقتصاد را شاهد این ادعای خود دانست. او افزود می توان این طور تصور کرد که یک جریان خزننده اعلان نشده ای در صدد تضعیف و رقابت با رئیس

روز سه شنبه ۱۰ خرداد (۱۷ ژوئن) هیئت رئیسه جدید مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. احراز مقام نایب رئیس دوم مجلس از سوی هاشمیان کاندید "جناح اقلیت" در این انتخابات غیر منتظره بود. گرچه از طرف تندروها چندین تن از جمله برای منشی گری و کارپردازی کاندید شده بودند، تنها هاشمیان توانست رای بیاورد. هاشمیان در رقابت با پرورش موفق به کسب مقام نیابت رئیس شد. روزنامه سلام به نقل از یکی از عناصر فعال جناح اقلیت نوشت: این جناح هیچ تبلیغاتی در مورد منشی ها نکرده است و تنها هدف آن انتخاب هاشمیان بوده است. یکی دیگر از نمایندگان جناح تندرو به خبرنگار سلام گفت انتخاب هاشمی می تواند به شکل از جناح کمک کند. شعله سعدی نماینده جناحالی شیراز در مصاحبه ای با روزنامه سلام که در شماره روز پنجشنبه ۱۲ خرداد (۲)

افراد می که متقاضی را خوب می شناسند. . . پاسخ گویند و بعد پای آن ورقه را هم امضاء کنند. آیا گرفتن پاسپورت احتیاج به تفتیش عقیده دارد؟ اگر جمهوری اسلامی به فکر بازسازی واقعی جامعه بود و هست بهتر آن بود علت های مهاجرت را دوباره بررسی می کرد و تنها از در ماندگی خودش حرکت نمی کرد. ایرانیان خارج از کشور وقتی ببینند در ایران احزاب آزادند و انتخابات و شرکت در سرنوشت مملکت آزاد است، زندانی سیاسی وجود ندارد، به میهن خود بر خواهند گشت. اگر جمهوری اسلامی هزار بار هم به انواع دعوت هادست بزند و از زبان مقامات ریزودرشت ندامت نامه ها بنویسد تا شرایط بالا در جامعه برقرار نگردد، شانسی برای بازسازی واقعی و نه لفاظیانه وجود ندارد و ایرانیان مقیم خارج با توجه به کارنامه ی ضد دموکراتیک و ولایت فقیه دعوتش را جدی نخواهند گرفت.

شاخص‌های اساسی توسعه

تسمت اول

دکتر حسین عظیمی - ایران فردا، شماره ۴

آنچه در زیر می‌خوانید بخش‌هایی از سخنرانی دکتر حسین عظیمی در جمع اعضای هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (وابسته به سازمان تامین اجتماعی) است. دکتر عظیمی در این سخنرانی محورهای اساسی توسعه را مورد بحث قرار داده است.

دکتر عظیمی دارای درجه دکترا در اقتصاد در رشته تخصصی توسعه از دانشگاه آکسفورد انگلستان می‌باشد. وی حدود ۱۷ سال به عنوان کارشناس، محقق و مدیر موسسات معتبر علمی و تحقیقاتی کشور فعالیت کرده است و سالهاست که در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، در دانشگاه‌های مختلف مشغول به تدریس است.

سخنرانی فوق از ماهنامه «ایران فردا»، شماره چهارم، گرفته شده و در دو شماره از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

در بررسیهایی که انجام داده‌ام - نتایج آن را در کتابی که در زیر چاپ است درج کرده‌ام - به این مطلب رسیده‌ام که برای اینکه یک جامعه بتواند مدرن شود چند عامل اساسی را لازم دارد که باید دست به دست هم و هماهنگ عمل نمایند؛ که مهمترین آنها پنج عامل زیر می‌باشند:

- ۱- فرهنگ مناسب
- ۲- تخصص مناسب
- ۳- سرمایه‌گذاری و انباشت کافی
- ۴- سازماندهی و مدیریت کارا
- ۵- نظام اقتصادی، اجتماعی نسبتاً پایدار برای دوره‌های نسبتاً طولانی

در مدلی که در بحثهای توسعه وجود دارد و در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌شود، این بحث مطرح است که اگر جامعه‌ای بخواهد برای مدرن شدن خود برنامه‌ریزی کند باید پنج دسته عوامل فوق را هماهنگ نماید.

در بحث فرهنگ، باید روحیه و انسان توسعه‌ای بسازیم و بدون آن هیچ کاری نمی‌شود کرد؛ و برای پرورش شخصیت مجبور هستیم از مدارس ابتدایی شروع کنیم، لذا اولین جایی که معمولاً اقتصاد توسعه مد نظر دارد و مورد تاکید قرار می‌دهد مدارس ابتدایی است. در این نگرش، مطلب این نیست که سوادآموزی عمومی هست و یا خیر، بلکه مهم این است که در مدارس ابتدایی آیا به صورت مناسب شخصیت، ویژگی و اخلاقیت در بچه‌ها ایجاد می‌شود و به آنها آموخته می‌شود که به کار احترام بگذارند و نظام سیاسی را بفهمند یا نه؟ مساله دیگری که از دید ما مهم است اینست که، مساله فرهنگ‌سازی صرفاً محدود به مدارس نیست؛ بلکه به این هم مرتبط است که در جامعه چه نوع سازمانها و نهادها وجود دارند که الگوسازی فرهنگی می‌کنند و این سازمانها چه الگوهای را ارائه می‌دهند. این، دومین مطلبی است که امروزه به آن نگاه می‌کنیم تا بفهمیم که در ۲۰ سال آینده چه اتفاقی در کشور رخ خواهد داد؛ و سومین چیزی که به عنوان مبحث تخصصی توسعه به آن توجه می‌شود اینست که آیا در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم نیازهای اساسی مردم (نیازهای اصلی حیاتی و همچنین تامین‌های اصلی اقتصادی) تا چه حد تامین شده‌اند؛ و همه اینها به همان مسئله فرهنگ برمی‌گردد و لذا اگر ببینیم که جامعه آموزش ابتدایی‌بندی دارد و نهادها و الگوهای فرهنگ‌سازی آن نامناسب بوده و ابعاد فقر در آن گسترش پیدا می‌کند، می‌توانیم عنوان کنیم که این جامعه تا سالهای سال توسعه پیدا نخواهد کرد؛ حتی اگر میلیاردها دلار در آن تزریق شود.

در عامل دوم که تخصص می‌باشد به چهار ویژگی آن عنایت خاص می‌شود؛ یکی اینکه موسسات تحقیقات کاربردی موجود در کشور که اصطلاحاً به عنوان Development and Research نامیده می‌شود به چه صورتی می‌باشند و امکانات آنها چگونه است. دیگر اینکه حجم تحصيلات فنی و حرفه‌ای و سهم آن در مجموع تحصيلات چقدر است. مراد از تحصيلات فنی و حرفه‌ای تحصيلاتی است که اطلاعات مربوط به نحوه کار با ماشین و نحوه تعمیر ماشین، نحوه مدیریت، نحوه تنظیم و به کارگیری نظام اطلاعاتی و مسائلی از این قبیل را به نیروی کار منتقل کند (معمولاً دوره‌های سه ماهه، شش ماهه، یک ساله، دو ساله). مساله سوم، میزان سواد دینرویی کار، و مساله چهارم که بدان عنایت می‌شود وجود آکادمیهای علوم می‌باشد که در صورت فقدان وضعیت مناسب در هر یک از ویژگیهای فوق، اطمینان بیشتری حاصل می‌شود که چنین جامعه‌ای درای سالیان سال آینده توسعه‌ای و مدرن نخواهد بود.

عامل سوم، انباشت و سرمایه‌گذاری است. در سرمایه‌گذاری به چند نکته توجه می‌شود. اول اینکه آیا جامعه مکانیزمهایی دارد که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن، مصارف خرد رانزدیک به حداقل مصارف حیاتی برساند و بدین وسیله امکان ایجاد مازاد تولید را فراهم سازد؟ به عبارت دیگر، هر چه در جامعه در حال گذار سطح مصرف از این حد بیشتر باشد، آن جامعه از دید توسعه کندتر حرکت خواهد کرد. بر این اساس است که بحث می‌شود مثلاً سرمایه‌گذاری برای

یک تضاد پیدا می‌شود. از دید شخصی و فردی، افراد به دنبال این هستند که مصرف را به شدت بالا ببرند؛ اما جامعه نیازش این است که مصرف را محدود کند و از افزایش آن جلوگیری نماید تا فرایند توسعه کند نشود. برای این کار، باید راه و مکانیسم عمل پیدا کرد تا جلوی رشد مصرف افراد گرفته، و تولید اضافی تبدیل به مازاد گردد و به سوی سرمایه‌گذاری سوق داده شود. این موضوع، واقعاً یکی از گیرهای توسعه است. مثلاً در کتاب برنامه که توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه شده از نظر تصویرسازی درست کار شده ولی در هیچ کجای آن اشاره‌ای به چگونگی رسیدن به اهداف ذکر نشده است؛ چرا که اصل قضیه این است که چطور این کار انجام شود و نه اینکه ما دوست داریم که کار خوب انجام شود.

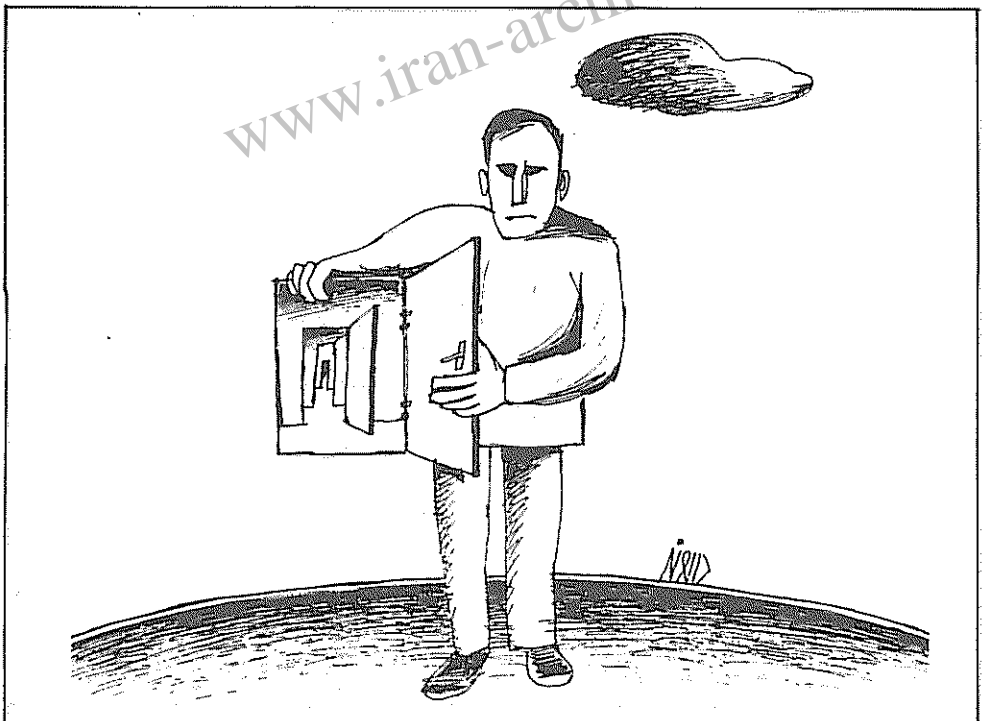
شرایط تاریخی پیش‌مازاد در کشورهای توسعه یافته

در اروپای قرن نوزدهم، سیستمی که عملاً این کار را کرد چهارچوب اجتماعی موجود و پیداشوندن جامعه بود. به این صورت که یک نظام فئودالی وجود داشت که افراد از آنجا رها می‌شدند و به عنوان کارگر به شهرها می‌آمدند و هیچ چیزی هم نداشتند. پرولتاری که مارکس مطرح کرد دقیقاً در آنجا بود؛ چون کارگرها شده از روستا به مملکتی داشت و نه تخصصی و جزو دست برای کار کردن چیزی نداشت. به همین دلیل، یکی از لغاتی که برای کارگر در انگلیس به کار می‌بردند لغت Hand است. پرولتاریایی که از روستاها کنده شده و به شهرها می‌آمدند، چون تعدادشان زیاد بود و کار به اندازه آنها وجود نداشت، لذا به مزد حداقل قانع بودند و بازار هم رقابتی بود؛ از این رو هر چه رشد اتفاق می‌افتاد، کارگر نمی‌توانست مزد اضافی طلب کند؛ و به همین خاطر مصرف در حداقل و پایین نگاه داشته می‌شد، در حالی که رشد اتفاق می‌افتاد. سرمایه‌گذارانی که سرمایه‌های زیاد آنها جمع می‌شد، آنها هم مصرف نمی‌کردند؛ نه به دلیل

موتنازات و تمییز سوارى بنزد ایران عموماً چیزى نیست؛ مشروط بر آنکه بنزومتناز شده صادر شود، ولی اگر عمده بنز تولید شده در داخل کشور مصرف شود، حتی اگر در پنج یا ده سال در داخل کشور مصرف شود، بازم در صورت مصرف در داخل از دید توسعه مضر می‌باشد برای اینکه در مراحل اولیه توسعه برای کشورهای عقب مانده این اصل اساسی وجود دارد که باید حتماً مازاد مصرف نشده، تولید به حداکثر برسد. چیزی کتابی نوشته به نام "Development Pattern of ۱۹۶۰-۷۰" یعنی الگوهای توسعه از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰. در این کتاب آمار حدود صد کشور درج شده و الگوی ریاضی هم درست کرده‌اند که در آن می‌خواستند

در مراحل اولیه توسعه جامعه فقیر است و در جامعه فقیر چنانچه درآمد سرانه زیاد شود اول سراغ مصرف می‌رود، چون نیاز شدیدی مصرف داخلی وجود دارد و میل نهایی به مصرف نیز بالاست، به همین لحاظ در مراحل اولیه توسعه داخلی یک تضاد پیدا می‌شود که ناشی از نیاز به سرمایه‌گذاری و انباشت از یکسو و میل به مصرف از سوی دیگر است.

ببینند که نسبت پس انداز به تولید در مراحل رشد چگونه تغییر می‌کند؛ و متوجه شدند که به طور عادی انتظار این است که اگر درآمد سرانه حدود ۱۰۰ دلار باشد تقریباً ده درصد تولید پس انداز شود. وقتی درآمد سرانه به ۱۵۰۰ دلار در سال می‌رسد، حدود ۲۳ درصد از درآمد سرانه پس انداز می‌شود. پس، پس انداز از مرحله اول - درآمد سرانه ۱۰۰ دلار - به ۱۵۰۰ دلار - ۲۳ درصد می‌رسد؛ در این خصوص، سرانه بالا می‌رود و هم مقدار، در عین حال، هر چند به تدریج که رشد اتفاق می‌افتد نسبت فوق هم زیاد می‌شود،



اینکه آدم‌های متفاوتی نسبت به سرمایه‌داران ما بودند، بلکه یک چهارچوب اجتماعی وجود داشت که مجبورشان می‌کرد سرمایه‌گذاری کنند. این چهارچوب اجتماعی هم دولت و قانون و امثال این پدیده‌ها نبود، بلکه دنیای رقابت بود. سرمایه‌گذاران می‌دیدند که مثلاً برای تولید یک کالا ی خاص ۵۰ تولید کنند و وجود دارند که همه در تلاش این هستند که هزینه تولید را کاهش دهند و همه می‌دانستند که اولین نفری که در این کار موفق شود بقیه رقیب از او میدان به در خواهد کرد و احتمالاً موجب ورشکستگی رقیب خواهد شد. از این رو، دنیای رقابت دنیایی وحشی است و معمولاً هیچ سرمایه‌داری دنیای رقابت را دوست ندارد. آدم اسمیت که بعضاً وی را پیغمبر سرمایه‌داری می‌دانند در کتاب خود تحت عنوان "ثروت ملل" بیان می‌کند که ضمن اینکه سرمایه‌دارها به دنبال نفع شخصی خود اقتصاد را متحرک می‌کنند، ولی باید مواظب آنها بود؛ یک خصلت رفتاری در سرمایه‌داران هست که آنها خیلی زود می‌فهمند که دنیای رقابت مطلوب آنها نیست و باید محیط حرکت خود را به محیط انحصاری تبدیل کنند؛ چرا که دنیای رقابت آنها را هم به دنیای سرمایه‌داری شدید و جلوگیری از مصرف و رفاه محدود می‌کند. غرض اینکه سرمایه‌دار آن دوره اروپا با توجه به اینکه، سرمایه‌های نزدش جمع می‌شد و به

ولی عمده تغییرات این نسبت در مراحل اولیه رشد اتفاق می‌افتد؛ یعنی در ۱۰۰ دلار درآمد سرانه ۱۰ درصد (یا ۱۰ دلار) پس انداز می‌شود در درآمد سرانه که ۳۰۰ دلار می‌شود پس انداز حدود ۲۰ درصد یا ۶۰ دلار خواهد بود در درآمد سرانه ۱۵۰۰ دلار پس انداز به ۲۳ درصد یا ۳۴۵ دلار می‌رسد به عبارت دیگر، از ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار درآمد سرانه، فقط نسبت پس انداز ۳ درصد رشد پیدا می‌کند. در حالی که از ۱۰۰ دلار به ۳۰۰ دلار رانگهان نسبت دو برابر می‌شود. خلاصه اینکه باید برای توسعه اولیه نرخ رشد پس انداز شدیدی بیشتر از نرخ رشد تولید باشد. علت آن هم روشن است؛ وقتی که یک جامعه سنتی می‌خواهد مدرن شود، باید یک شبکه راه داشته باشد، منابع طبیعی خود را از نو بشناسد و تنظیم و مهار کند، و ابزار خود را باید مدرن نماید. نکته‌ای که شایان توجه است اینست که در مرحله اول توسعه، به عنوان یک قانون مجبوریم که نرخ رشد پس انداز بسیار بالاتر از نرخ رشد تولید داشته باشیم. با همین فرض، جامعه یک مشکل اساسی پیدا می‌کند. برای اینکه درست در همین مراحل اولیه جامعه فقیر است و در جامعه فقیر چنانچه درآمد سرانه زیاد شود اول سراغ مصرف می‌رود؛ چون نیاز شدیدی مصرفی داخلی وجود دارد؛ برای اینکه میل نهایی به مصرف نیز بالاست. به همین لحاظ، در مراحل اولیه توسعه داخلی

کارگران به اندازه حداقل معیشت به عنوان مزد کار پرداخت می‌کرد (چون تعداد آنها خیلی زیاد و زمینه کار محدود بود)، نتیجتاً سرمایه به اغلب نزد بورژواها انباشته می‌گشت و بورژوا به علت رقابت مجبور به ایجاد ابداع و ابتکار بود و سرمایه جمع‌آوری شده را در پرورش تولید بکار می‌گرفت، لذا جامعه آن روزی اروپا این شکل را پیدا کرده بود که همه در پی تلاش و کوشش بودند و کار می‌کردند ولی مصرف در حداقل ممکن بود، و در نتیجه مازاد جمع‌آوری شده در پرورش تولید به جریان افتاد. حتی روستاها هم نتوانستند از این قانونمندی کلی برکنار باشند و عملاً به آنها اثبات شد که راه دیگری برای توسعه وجود ندارد و باید مصرف را در حداقل نگه دارند.

منتهی، از آنجا که مالکیت شخصی وسایل تولید مجاز نبود؛ نمی‌توانستند از سیستم توزیع نامتعادل و غیره استفاده کنند. روستاها بعد از انقلاب آکثیر، بلافاصله به این مساله نرسیدند، بلکه پس از حدود ده سال و در سالهای ۳۰-۱۹۲۸ به این مطلب پی‌بردند. روش آنها این شد که در قیمت‌گذاری کالاها و تعیین دستمزدها به نحوی عمل کنند که کل دستمزدی که پرداخت می‌شد با حداقل معیشت تطبیق نماید و این نسبت مراعات می‌شد و برنامه‌ریزی بر مبنای آن استوار می‌گردید. مثلاً حساب می‌کردند که با داشتن جمعیتی حدود ۲۰۰ میلیون نفر نیازهای اساسی جامعه شامل خوراک، پوشاک و غیره باید حداقل به چه میزان باشد؛ و مزدها به ترتیبی پرداخت می‌شدند که عملاً تکافوی حداقل معیشت را بنمایند؛ و قیمت کالاها نیز به نحوی تعیین می‌شدند که با حفظ حداقل معیشت، حقوق بگیران بتوانند از آن بهره‌مند گردند. در عین حال، چون می‌دانستند که در چنین شرایطی بازار سیاه و نظایر آن امکان وجود پیدا خواهند کرد، اقدام به سهمیه‌بندی و از این سنخ امور می‌نمودند. به هر حال، هدف نهایی روستاها در برنامه‌ریزی این بود که حداکثر تولید به عنوان مازاد جدا شده و در سرمایه‌گذاری به کار گرفته شود. همان طور که بیان شد، این یک قانون است.

پس تا اینجا بحث می‌بینیم که اگر خواسته باشیم ببینیم که درسی سال آینده در جامعه ایران که هم اکنون دچار مشکلاتی می‌باشد چه اتفاقی رخ خواهد داد، باید به چگونگی اداره مدارس ابتدایی، موسسات و نهاد های الگوسازی فرهنگی، نحوه تامین‌های اصلی و اساسی اجتماعی، چگونه‌گی نقش آموزش فنی و حرفه‌ای، وضعیت آکادمیهای علوم و موسسات R AND D و سوادآموزی و نهادها و مکانیزمهای مرسوم در جامعه برای اینکه تولید را در وجه غالب مصرف جدا نماید توجه لازم به عمل آوریم.

زمینه‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه

در کنار این مسائل باید ببینیم که در تخصیص مازاد تولیدی حاصله به امر سرمایه‌گذاری باید چگونه عمل کرد. اولین اصل در این زمینه این است که باید کوشید تا در سرمایه‌گذاری‌ها انجام شده هماهنگی در پنج زمینه خاص که ذی‌اشاره خواهد شد ایجاد شود. در خصوص سرمایه‌گذاری، توسعه زمینه‌هایی که می‌شناسیم یکی سرمایه‌گذاری در شناخت، تنظیم و مهار منابع طبیعی می‌باشد. مثلاً اینکه منابع آب کشور چقدر است و توزیع پراکنده‌گی آن چگونه است؛ و همچنین منابع خاک، جنگلها معادن و الخ... زمینه سرمایه‌گذاری اساسی دوم، زیربنای تحقیقاتی شامل ساختمانهای عظیم مورد لزوم برای تحقیقات و تجهیزات آن، کتابخانه و لابراتورها و نظایر آنهاست؛ بناهای ارتباطی شامل شبکه راه‌ها و مخابرات و غیره است؛ مساله چهارم زیربنای انرژی، و بلاخره پنجم، شبکه‌های ابزار و کارخانه‌ها می‌باشد؛ برای حرکت توسعه‌ای لازم است این پنج زمینه با هم هماهنگ حرکت کنند و معمولاً در کشورهای توسعه نیافته مثل ما عملاً این پنج زمینه در جهت عکس حرکت کرده‌اند. مثلاً ما کارخانه بیخجال سازی وارد کردیم، بعد متوجه شدیم برق آن کافی نیست؛ در حالی که لازم بوده اول سراغ تامین انرژی برویم و بعد سراغ کارخانه؛ و یا بعد از انرژی سراغ راه و ابزاره سراغ تحقیقات و از تحقیقات به سراغ منابع رفته‌ایم. در مورد خود ایران، اگر دقت شود می‌بینیم که علی‌رغم اینکه باور کردنی نیست، ولی ما هنوز نقشه جامع زمین شناسی ایران را نداریم و هنوز امکانات آب کشور را درست نمی‌شناسیم و بر طبق بررسی‌های مقدما می‌توانیم در چند سال گذشته تازه متوجه شده‌ایم که راندمان استفاده لازم آب کشور احتمالاً فقط حدود ۳۰ درصد می‌باشد. اما در خصوص نحوه به دست آمدن این رقم، سی سال پیش متخصصی زحمت کشیده و با اطلاعات ناقص آن روز بر آوردی انجام داده که مثلاً استفاده از منابع آب در کشور ۳۰ درصد می‌باشد و از آن زمان به بعد ما مطالعه دیگری که حکایت از رقم دیگری بنماید را انجام ندادیم. چهار - پنج سال پیش، تازه مطالعه جامع آب در ایران شروع شد و علی‌رغم نقایص آن زحمتها یی کشیده شده است که به ما آگاهی می‌دهد که چند حوضه آبریز در ایران داریم و باران در کجاها زمین را می‌شوید و در کجا به زیرزمین می‌رود و از حوضه‌ای به حوضه دیگر نفوذ می‌کند و خیلی پدیده‌های دیگر.

حال اگر وضعیت جامعه‌ای در زمینه‌های فوق نیز دچار مشکل باشد، مشخص است که آینده آن مشکلات بیشتری را نشان خواهد داد. ادامه دارد.

خوب و بد عصر اطلاعات

برگردان: ح-بهداد

قسمت آخر

در شماره پیشین "کار بخش نخست مقاله خوب و بد عصر اطلاعات" به چاپ رسید. در آن بخش تحولاتی که بر اثر انقلاب در عرصه اطلاعات در جهان مادر حال روی داده است و جوانب خوب و بد این انقلاب، مورد بررسی قرار گرفت. قسمت دوم و پایانی این مقاله جنبه های دیگری از انقلاب اطلاعاتی بر جهان معاصر و نقش رسانه های همگانی در چنین جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

"خوب و بد عصر اطلاعات" از ویژه نامه اسپیکل به نام "کره زمین ۲۰۰۰" (۱۹۹۳) برگرفته و ترجمه شده است.

باریک آدم واره به جراحی انسان پرداخت. برش نگاران (توموگراف ها یا متخصصان عکسبرداری از لایه های مختلف اعضا و اندامهای بدن) با دادن اندازه های استخوان ران و لگن خاصره به جراح آدمواره، آن را به گونه ای برنامه ریزی کردند که در محدوده های به اندازه یک دهم میلیمتر کانالی را برای نصب یک مفصل مصنوعی میان لگن خاصره و استخوان ران تعبیه کند.



تلویزیون، ابزار مسخ انسان یا رسانه ای آگاهی بخش؟

مدیریت اطلاعاتی (مدیریت مبتنی بر داده ها و آمار و ارقام) قادر به تعیین این امر خواهد بود که چه رشته هایی در یک عرصه تولیدی سرآمد و هدایتگر باشند؛ سلیقه یابی کامپیوتری امکان خواهد داد که تولیدات و خدمات پیچیده همچون اتومبیل به قطعات آن تجزیه شده و بر اساس خواست و سلیقه مشتری مونتاژ و سرهم بندی شوند. در صنایع نساجی کترا موراز ارسال مواد خام به کارخانه تا تحویل جنس به مشتری به صورت برنامه ریزی شده و کامپیوتری انجام می گیرد. این روش، از تولید فراتر از ظرفیت انبارها و نیز از تولید اجناس فاقد خریدار جلوگیری می کند.

هم اینک انتقال قدرت از سیاستمداران به رسانه های همگانی، کمابیش در حال تحقق است. به نظر "دیوید برادر" مفسر آمریکایی، رسانه ها اکنون از چنان نفوذی برخوردارند که دولتمردان را هیچ چیز بیشتر از تبلیغ برای خود و سیاست های خود در این رسانه ها مشغول نمی دارد

تکنولوژی اطلاعاتی یعنی رشته هایی که همه عرصه ها را به تغییر و تحول واداشته، نسبت به سایر رشته های صنعتی دیگر با بالاترین توان رشد برخوردار است. بازار فروش رسانه های نوین و اجزای آنها پیوسته در حال گسترش است. شواهد اما حاکی از آن است که آلمانها و اروپایی ها در همگامی با انقلاب صنعتی سوم عاجز و ناتوانند. عقب ماندگی اروپا در رقابت بر سر تسخیر آینده را در یک مقایسه زمانی می توان نشان داد. هانس دیترش گنشر وزیر خارجه پیشین آلمان در سال ۱۹۹۱ خواستار آن شد که ایجاد جامعه و اقتصاد مبتنی بر اطلاعات و آمار باید در مرکز استراتژی ناظر بر همه عرصه های سیاست قرار گیرد. دولت ژاپن نیز چنین هدفی را برای خود تعیین کرده است، منتهی نه در سال ۱۹۹۱ بلکه در سال ۱۹۸۹، یعنی در سرت زمانی که در آلمان از فولاد و آلومینیوم به عنوان رشته های تولیدی آینده ساز یاد می شد. از آن پس بود که ژاپن عرصه به عرصه پیشروی را آغاز نمود. در پایان دهه ۷۰ شرکت های ژاپنی، صنایع آمریکایی تولید کننده رسانه های الکترونیکی را از پای در آورده و با تکیه بر کارخانه های مجهز به کامپیوتر خود شرکت های اتومبیل سازی آمریکا را نیز پشت سر گذاشتند. در میانه ده هشتاد ژاپنی ها با کاهش قیمت ها، بازار نیمه هادی هایی که در اتصالهای حافظه ای کاربرد دارند را به انحصار خود در آوردند. گرچه آنها در این قیمت شکنی ۴ میلیارد دلار منصرف شدند لیکن تقریباً همه شرکت های آمریکایی سازنده نیمه هادی ها را در بازار به حاشیه رانده و بدینسان بنیانهای تکنیکی اطلاعاتی را به تصرف خود در آوردند.

از این رهگذر ژاپن اینک در بازارهای جهانی انحصاردار عرصه دستگاه های فاکس است، در بازار تلفن و تلویزیون دست بالا را دارد و بزودی آخرین سنگر آمریکایی ها یعنی بازار کامپیوتر نیز از آن خود خواهد کرد. همزمان با تغییر آرایش اقتصادی، دگرگونیهای فرهنگی و سیاسی چشمگیری نیز در عرصه بین المللی در حال رخ دادن است. هم اینک انتقال قدرت از سیاستمداران به رسانه ها کمابیش در حال تحقق است. از نظر "دیوید برادر" مفسر آمریکایی رسانه ها اکنون از چنان نفوذی برخوردارند که دولتمداران را هیچ چیز بیشتر از تبلیغ برای خود و سیاست های خود در این رسانه ها مشغول نمی دارد. به گفته "برادر" هنگامی که رئیس جمهور پشتیبانی افکار عمومی و محبوبیت خود (که عمدتاً بوسیله رسانه ها ساخته و پرداخته می شود) را از دست بدهد، دیگر قادر به ادامه حکومت نخواهد بود. سیاست شناس انگلیس "تیموتی گارتن آلس" از همین حالا از تلویزیون به عنوان یک "ابر قدرت" یاد می کند.

خطر آنکه "عصر اطلاعات" به دوران اطلاعات یک جانبه و یک سویه بدل شود، جدی و واقعی است. در چنین صورتی انسان به موجودی تابع و هدایت شونده بدل خواهد شد که هیچ شانس برای سازندگی اجتماعی نخواهد داشت

این روند، تأثیرات متناقضی را به دنبال خواهد داشت. به نظر اقتصاد شناس سوئیس "کریستیان لوتر" خطر آنکه "عصر اطلاعات" به دوران اطلاعات یکجانبه و یکسویه بدل شود، جدی و واقعی است. در چنین صورتی انسان به موجودی تابع و هدایت شونده بدل خواهد شد که هیچ شانس برای سازندگی اجتماعی نخواهد داشت و در هیچ خود سازی شخصی خود نیز به کفرت گرایبی کاذبی متکی خواهد بود که اختیاراتش در آن از حق انتخاب میان کار کولای یا پستی کولای فراتر نخواهد رفت. به پیش بینی آقای "گوتس" اقتصاد شناس سوئیس نظرات و آرا چنین جامعه دست آموزی اراده ای را رسانه ها بیش از پیش برای تأیید شما و تصویر کاذب خود از جهان مورد استفاده قرار خواهند داد. برای پیشگیری از رویگردانی آگاهانه مردم از رسانه ها و نیز برای ممانعت از درهم ریزی واقعیت جهان ظاهراً هماهنگ ساخته رسانه ها، استراتژی های بازدارنده ای در دست تدوین است که میتواند به فرو ریختگی درونی، بی تفاوتی و بی بدینی انسانها نسبت به دیگر هموعان و شهروندان منجر شود. برای تأکید بر واقعی بودن چنین روندی می توان به پاره ای نشانه ها و دلایل همچون افزایش انفعال سیاسی و قدرت گیری "حزب انتخابات گریزان" (کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند) اشاره کرد. میزان شرکت مردم در انتخابات عمومی آلمان فدرال در سال ۱۹۷۲ ۹۱/۹ درصد، سال ۱۹۸۴/۳۱ درصد و سال ۱۹۹۰ تنها ۷۷/۸ درصد بوده است. در آمریکا تنها ۵۴ درصد مردم در آخرین انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند.

ستایش از جامعه اطلاعاتی گهگاه حالتی تعصب آمیز و مذہبی به خود می گیرد. این ستایش بعضاً به حدی است که به نوشته هفته نامه "تسایت" گویی که برنامه ریزان کامپیوتری، متخصصان انفورماتیک و کارشناسان وارد به آموزش و کابل اسقف های دوران معاصرند. فیلسوفی به نام آقای "فوسر" نیز غولهای رسانه ای امروزه را با حکیمان و فرهیختگان پیشین مقایسه می کند که جماعت بیسوادان پیش آنها زانو زده و به حمد و ستایش حروف الفبای پر داختند. برخی از نوشته ها و تبلیغات مربوط به رسانه ها که اخیراً منتشر شده اند به متن ها و آموزه های مذہبی شباهت دارند. انتشاراتی "پوردا" (مجله معروف مد که چندین مجله دیگر را نیز منتشر می کند) در متن تبلیغی خود می نویسد: "ما به نیروی رسانه ها در خشن سازی آنها تکیه و تکیه می داریم. هیچ چیز بیشتر از ارتباطات آزاد ضامن ثبات و پایداری جهان را بنیاد نهاد. وی حقوق بشر نیست. از این روموافق ارتباطات جامع و فراگیر هستیم.

امانمونه برزیل (ونه تنها این نمونه، بله شیوه گزارش دهی از جنگ دوم خلیج فارس و حوادث اکتبر سال گذشته مسکو - بر خصلت الفارگری و شست و شو دهنده گی مغزی رسانه ها تا کید دارد. در این کشور (برزیل) سرمایه داری به نام "رئوبرتو مارینو" در دهه قبل بزرگترین امپراطوری رسانه ای جهان را بنیاد نهاد. وی اینک با انتشار چندین روزنامه، تملک چندین ایستگاه رادیویی و ویژه بخش برنامه های خشن و مبتذل از ایستگاه تلویزیونی "گلوبو" به قدرتمندترین مرد آمریکای جنوبی

بدل شده است. گامی بویا نمایش فیلمها و سریالهای انحرافی و بی محتوا و پخش اخبارهای دست چین شده و خط دهنده، شعور و آگاهی ۱۵۵ میلیون برزیلی را به آسانی تحت تأثیر قرار می دهد. از این رهگذر مارینو توانست در سال ۱۹۸۹ اولین انتخابات آزاد ریاست جمهوری پس از حاکمیت نظامیان را به نفع خود به پایان برد. وی با توجه به موضع منفی عمومی در قبال سیاستمداران فاسد و بی اختیار دوران گذشته، پسریکی از دوستان ناشر خود به نام "فرناندو کلدرد ملرو" را از طریق یکی از فرستنده های رادیویی کاندید احراز پست ریاست جمهوری نمود. "کلر" را تا هشت ماه پیش از انتخابات یک درصد مردم هم نمی شناختند و هنگامی که در ورود و انتخابات ریاست جمهوری خطر شکست وی در برابر رقیب پر نفوذش از جناح چپ عمده شد، فرستنده تلویزیونی گلوبو حتی پس از مهلت مقرر برای تبلیغات انتخاباتی نیز، بی وقفه به پخش مونتاژ شده بخش های از یک مناظره تلویزیونی مشغول بود که در آن کاندید چپ حملات کلر را با استدلالات چندان محکم باسخ نمی داد.

مارینو با بهره گیری از حد اکثر نفوذ خود کلر را سرانجام به پیروزی رساند. (برلوسکونی نخست وزیر دست راستی جدید ایتالیا که صاحب دو شبکه تلویزیونی است نیز پیروزی خود را مدیون بهره گیری تبلیغاتی از امکانات رسانه ای خود و تهاجم تبلیغاتی سنگین علیه کاندیدای چپ از طریق این رسانه ها است. م. کلر پس از تصدی پست ریاست جمهوری با تلویزیون "گلوبو" در یک اتحاد ظاهراً خدشه ناپذیر قرار داشت تا اینکه برادرش از رشوه خواری و فساد در راس هرم دولت پرده برداشت. چندین ماه از کار مارینو همه امکاناتش را در اختیار کلر قرار داد تا موار افشا شده را تکذیب کند. در این راستا رئیس جمهور مجاز بود که در "گلوبو" بدون هیچ ندای مخالفی دروغ سرهم بیافد. اما با بالا گرفتن اعتراض مردم مارینو سرانجام دریافت که حفظ کلر دیگر ناممکن است. به نوشته واشنگتن پست هنگامی که گلوبو سرانجام سکوت را شکست و به نمایش مفصل تظاهرات خیابانی مردم پرداخت، همگان دریافتند که ورق در حال برگشتن است و کلر با دشواریهای جدی مواجه شده است.

کلر در اوایل سپتامبر ۱۹۹۱ سرانجام استعفا کرد، اما مارینو میلیاردر هیچ ضرورتی نی ندید. او هم اکنون به دنبال یافتن کاندیدای مورد نظر خود برای انتخابات پاییز ۱۹۹۴ است.

البته اینکه رسانه های گروهی جدید بالقوه حامل بار دمکراتیک هستند، حرف نادرستی نیست. برای مثال گروه ها و اجتماعات که به انکار خود مردم پدید می آیند در آینده برای برگزاری همه پرسی ویا طرح خواسته های خود دشواریهای کمتری خواهند داشت. به عقیده یکی از کارشناسان "در آینده ای نه چندان دور مردم طومارها و یادداشتها را که در رابطه با مسائل و مصالح مختلف آنها تنظیم شده بر صفحه کامپیوتر خود دریافت کرده و آن را رد یا تایید می کنند.

بدینسان گسترش شبکه رسانه ها این امکان را فراهم خواهد ساخت که دمکراسی مبتنی بر انتخاب نماینده با آنکه به عنایر دمکراسی پایه ای (نظر مردم) بیش از پیش اصلاح شود و بهبود یابد. در چنین شرایطی دولت ها می توانند پیوسته نظر مردم را جویا شده و یا آنها را به ارائه رای کامپیوتری فراخوانند. چنین روندی به نظر نویسندگان داستانها و مطالب علمی - تخیلی در پایان خود به ایجاد یک ماشین دولت خواهد انجامید. به عبارت دیگر دولت از کامپیوتری تشکیل خواهد شد که نرم افزارش قانون اساسی است.

نیروی عظیم دگرگون ساز رسانه ها برای سیستم ها و رژیم های دیکتاتوری انچه ایها بی بدید آورده است. برای مثال در چین شهروندان اجازه ندارند که آنتن های بشقابی بر پشت بامهای خود نصب کنند. در مالزی و سنگاپور اهالی از دریافت اخبار سانسور نشده محرومند. در تایستان سال گذشته دستفروشهای کنار خیابان در بانکوک نوار ویدیویی را عرضه می کردند که کشتار مردم تایلند توسط نظامیان در آن ضبط شده بود.

سیاستمداران جهان سوم مدت ها در تلاش بودند که در برابر هجوم یکطرفه تصاویر تلویزیونی غرب به کشورهای خود مانع ایجاد کنند. در دهه هفتاد کشورهای جنوب عضو یونسکو بر آن شدند که مقررات جدیدی را در عرصه تبادل اطلاعات در گستره جهات وضع کنند. در نظر آنها جریان سیل آسای تصاویر تلویزیونی و سینمایی غرب به سوی کشورهای در حال توسعه نوعی "تهاجم فرهنگی" نامطلوب تلقی می شد قدرتهای غربی اما تا کید داشتند که جریان تبادل اطلاعات با دید از هر گونه قید و بند ای آزاد باشد. در ای راستا آمریکا یعنی بزرگترین تامین کننده مالی یونسکو، عنوان مخالفت با خواست کشورهای جهان سوم از سازمان را ترک کرد و بدینسان مسئله وضع قوانین سکوت ماند.

چه بدبینی کسانی که در تدوین اوضاع کنونی بر آه دیکتاتوری مجتمع رسانه ای چند ملیتی را پیش بینی می کنند و چه خوش بینی کسانی که امید بر پایی جهات رویایی و بسامان را در سر می پرورند هیچکدام نا ضرورت دمنساز می همگانی با اندیشه متحول عمه اطلاعات نیست. به نوشته فیلسوف معروف "هان یوهانس" جامعه ای که با شیوه تفکر عصر صنعتی بخوابد به دوران جدید پا گذارد، در بهره گیری از توان و امکانات انقلاب اطلاعاتی هیچ شانس نخواهد داشت.

پیام ودعوت از ایرانیان مقیم خارج از روی ضعف و فریبکاری است

پس از مرگ خمینی و تشکیل دولت مذهبی، تکنوکرات رفسنجانی و پیش گیری سیاست پراگماتیستی از جانب وی، صف بندی جدیدی درون روبرون حاکمیت پدیدار گشت، او با برنامه ریزی پنج ساله دوران ریاست جمهوری خود که معروف به برنامه تعدیل اقتصادی است، سیاست یکپارچه شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را در پیش گرفت. جهت اجرا و تحقق این برنامه، رفسنجانی نیازمند حمایت معنوی و پشتوانه مالی بخش گسترده سرمایه های خارج و متخصصان و مدیران فنی ایرانی مستقر در خارج بود.

برای پیشبرد برنامه فوق و بهره برداری سود آزار اقتصاد کشور، دولت های غرب در اکثر جرایم و رسانه های خود شروع به تبلیغ مبتنی بر سمگتگرهای لیبرالیزه شده دولت آقای رفسنجانی نمودند.

در این میان برخی از احزاب دنیوی و تنی چند از شخصیت های به اصطلاح شناخته شده آستین حمایت از اقدامات جدید دولتی را بالا زدند و در صدد مسمومیت اذهان نیروهای خارج، در سمت افکار عامیانه بر آمدند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

آنها تلاش داشتند که مخالفین و پناهندگان را به شهروندان مطیع و قانع بدل سازند.

از جمله می توان درج دهها مطلب از این دست، سخنرانیها و ملاقات های آنجانی را نام برد.

بعدها با شکست سیاست تعدیل، خلاف تفکر و موضوعات یاد شده به اثبات رسید و مکرر سی دروغین هر چه بیشتر هویدا شد.

اکتون مسئله اصلی آن اندیشه به نوعی دیگر عمل می نماید، آن بار آنان از در بیرون شدند و اینبار تلاش دارند خود را از پنجره وارد بسازند.

عرصه دعوت به بازگشت تنها به طیفی که بدان اشاره رفت محدود نگردید، بلکه ترکیب وسیعی از پناهندگان سیاسی را نیز در بر گرفت. حکومت با چار و چنگال دفاع از آزادبهای سیاسی وجود مکرر سی در کشور مدعی آمادگی پذیرش بخش قابل توجهی از پناهندگان به ایران گردید و سفارتخانه های خود را در کشورهای پناهنده پذیر به برخورد های درخور با مراجعه کنندگان فراخواند و از طرف دیگر تروریست های مسلح خود را جهت به قتل رساندن فعالین اپوزیسیون خارج از کشور هدایت کرد!

ابلاغ پیام و صحبت از بازگشت مهاجرین به میهن تنها زمانی قابل تمق و فراهم شده باشد.

بدون طرح و پایه ریزی نظامی لایح مبتنی بر اراده و رای آزادانه مردم که به مفهوم لغو نظام ولایت فقیه و جدایی دین از دولت است، بدون آزادی احزاب و سازمانها، اتحادیه ها و انجمن های صنفی، بدون منع پیگرد نیروهای سیاسی کشور، اقلیت های ملی و مذهبی، بدون آزادی کلیه زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و اعدام، بدون آزادی قلم، بیان، مطبوعات و لغو سانسور، بدون به رسمیت شناختن، پاسداری و احترام به منشور جهانی حقوق بشر، بدون بررسی و جبران خسارتی که به پناهندگان طی ایام مهاجرت وارد آمد و تضمین امنیت جانی آنان و خانواده هایشان از طریق نظارت ارگان های مربوطه جهانی، صحبت از بازگشت مهاجران به کشور فریبی بیش نخواهد بود.

در صورت عدم تحقق موارد بر شمرده شده و با توجه به ماهیت و عملکرد پانزده ساله حکومت مستبد اسلامی، بازگشت پناهندگان سیاسی تنها با رخداد یک تحول نسبتا اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که حضور پناهندگان در وطنشان را امکان پذیر می سازد.

مهاجرین به خوبی واقفند که تنها چند روز قبل از بیانات آقای رفسنجانی، نویسنده سرشناس استاد پیشین دانشگاه آقای سیرجانی به اتهام واهی از طرف ارگان های امنیتی کشور بازداشت گردید. و دقیقا همزمان با پیام نوروزی ایشان، در صددیت حکومت با نوروز، این روز خجسته ایرانیان، صدها حاجی فریز در سطح کشور دستگیر شده و با آغاز سال نو تدارک همه جانبه علیه آرامش شهروندان تحت عنوان مبارزه فرهنگی با نصب آنتن های بشقابی صورت پذیرفت.

آقای رفسنجانی!

وزیم جمهوری اسلامی تاکنون نه بر استمداد از مردم بلکه بر پایه استبداد مذهبی و سرکوب اعتراضات آنان توانسته به تداوم حکومت ادامه حیات

پاسخ به نامه ها

همکار بسیار گرامی ع. بهار: همان نظر که در کار شماره ۸۳ ملاحظه کرده اید، برگردان مصاحبه "فرانکفورت تروند شو" با جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق، زیر عنوان "باید برای یک امر قابل تحقق مبارزه کنیم" به چاپ رسیده است. این مصاحبه از سوی یکی از همکاران ما در تحریریه به فارسی برگردانده شد و ترجمه شما یک هفته بعد از آن به دست ما رسید. و بدین دلیل متأسفانه بی استفاده ماند. این انتخاب مشترک هر چند موجب دوباره کاری شد، اما نشان داد که علیرغم فاصله دورما از یکدیگر نگاهمان در مورد مسائل تلخ خارجی - به ویژه منطقه - در مسیر واحدی است!

مقاله ای طولانی با نام "بررسی و نقد مختصری بر چهار نکته اساسی مارکسیسم" با امضای "جنبش روشنفکری ایران" به دست ما رسیده است. این دوستان خواهش کرده اند که مقاله نامبرده و یا گزیده هایی از آن در نشریه کار درج شود. این مقاله ظاهر برای نشریات دیگر نیز فرستاده شده است.

به اطلاع این دوستان عزیز می رسانیم، "کار" از انعکاس نظرات منتقدین و فعالین سیاسی در صفحات خود استقبال می کند اما برای اینکار شروطی نیز دارد. از جمله این شروط این است که مقالات ارسالی دارای امضای فردی - نه امضای حزب و گروه و جریان سیاسی خاصی - باشند. منحصر برای "کار" فرستاده شده باشند و در آن ها رعایت حجم مناسبی که قابل درج در نشریه کار باشد، شده باشد. ما ترجیح می دهیم که نویسندگان مقالات خود رعایت خلاصه نویسی را بکنند و این کار دشوار را بر عهده ما نگذارند. بنابراین از آقای م. حسن بایگان "که نامشان زیر مقاله مورد گفتگو آمده، خواهش می کنیم خلاصه ای از مقاله خود را، برای ما بفرستند.

آقای الف. ترکمن: با سلام و آرزوی موفقیت متقابل. تذکر انتقادی شما را می پذیریم. قصور در عدم اعلام وصول مقاله "ستم ملی در ایران واقعیت، نه تخیل" از سوی ما است. خلاصه مقاله شما آماده چاپ است و آنرا در نخستین شماره آینده "با خواننده" درج خواهیم کرد.

در مورد پیشنهاد شما مبنی بر گشودن صفحه ویژه ای که مربوط به مسأله ملی باشد، به اطلاع عتاق می رسانیم که هیئت تحریریه کار در شرایط حاضر چنین قصدی ندارد. مقالات دارای کیفیت مناسب که به این موضوع پرداخته باشند، در بخش دیدگاهها درج خواهند شد. بیروزی باشید.

مقالات و نامه های رسیده

انقلاب شکست خورد... و بر ما چه گذشت - تنقی جنگ رذیلا نه آنکارا در کردستان. مترجم: پرند چند خبر کوتاه. مترجم: محمد - کانادا

سیمای امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا در سالهای اخیر (نامه هفتم) محمد - کانادا

چرا اتحاد چپ به فراداهای دور موکل می شود؟ - وارطان کنگره فوق العاده ساند نیست ها - ع. بهار

کمک های مالی

۱۰۰ مارک از محل کمک های جمع آوری شده در جشن ۱۹ بهمن در نوروز

۲۰۰ مارک کمک تشکیلات نوروز به نشریه کار

۲۵۲ مارک کمک تشکیلات نوروز به نشریه کار

۵۰ مارک کمک مالی از ژاپن توسط رفیق آ

می بایستی همراه با حضور سیاستهای مالی روشن باشد. میبایستی از ایشان خواست که نقطه نظرات اقتصادی را بدون پرده پوشی بیان دارند. با بیانات در تصمیمات اقتصادی و قانونی بخشیدن به حقوق مجاز مالی، انتخاب راه توسعه عملیست.

به هر تقدیر بایست گفت لا زمست پیام آقای رفسنجانی را دوباره مطالعه کرد و راههای شروع و تداوم و گسترش ارتباط داخل و خارج را جستجو کرد.

و حکومتیان را نظاره گر بود.

گفته بودم که شما مخاطبان رادسته بندی نکرده بودید. شما علاوه بر گروههایی که بر شمرده ام، سرمایه داران، فن روزان، دانشمندان و تحصیل کرده ها را از انداخته بودید.

جمهوری اسلامی که در راه هموار کردن اقتصاد آزاد حرکت می کند، از سرمایه گذاری خارجی به عنوان یکی از ابزارهای جد آسود لزوم و کلیدی نام می برد و به دنبال تدارک راهها نیست که پروژه های صنعتی و عمرانی خود را با مشارکت ایشان عملی سازد، ولی تا کام مانده است. در حالیکه هزاران سرمایه دار ایرانی ریسک سرمایه گذاری در ایران را قبول نمی کنند چگونه خارجی های بیایند؟ گیریم خارجی ها آمدند، خودشان با خودشان مشارکت کنند، یا با دولت ورشکسته؟

چگونه می توان سرمایه داران ایرانی را به کشور دعوت کرد، حال آنکه هنوز سرمایه داری در ایران تعریف درست خود را باز نیافته است. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در مصاحبه ای گفته بود:

بر اساس تفکر اسلامی می شود گفت سرمایه داری آزاد است اما اینکه یک وقت جامعه اسلامی دست به تعدیل ثروت بزند هم غیر قابل پیش بینی نیست. (نقل به معنی) خوب ببینید با حرفهای این آقا، سرمایه داران از دید و حضورش در ایران بایست منتظر لحظه موعود تعدیل باشد! آری به آقای رفسنجانی بایستی می گفتید که تدارک زمینه لازم جهت بازگشت سرمایه داران اعم از تولید کنندگان، بانکداران و تجار

نگاهی دوباره به پیام آقای رفسنجانی

مسافر

می رود که تنها شود باید به این امر تحریص نمود. آیا همچون "سلام" می ها که بر حزب و آزادی مطبوعات موافق اند او نیز، اگر چه دیرتر، قصد مذاکره ای تنهایی خود را با سیل سیاه سیاه داخل و خارج کشور در یک حزب سیاسی نشانه گرفته است؟ به هر حال هر چه باشد به بسط دموکراسی و آزادی احزاب کمک خواهد کرد و مقاله می بایست در این بخش نگاه خود را به آزادی احزاب سیاسی و حضور حزب به عنوان ابزار برای پشتوانه خوب بودن معطوف می نمود.

اما راستی در مورد سیاه سیاه و بازگشت ایشان به وطن، آنها هم از صدر تا ذیل باید گفت که منتظر می ایم تا شرایط جهنمی... تغییر یابد.

این قسمت از مقاله را ببینید:

"آنان که خواهان بازگشت به کشورند هیچ چاره ای ندارند جز آنکه امیدها و تیرهای خود را معطوف به تلاشهایی سازند که هدفشان به طور واقعی تغییر شرایط جهنمی است که زندگی در ایران را دشوار و ناممکن ساخته است" درست است که می توان و باید توقع آزادی فعالیت مثبت سیاسی را داشت، اما این شرط بازگشت است؟ یا رفسنجانی می خواهد حزب ویژه ای تاسیس کند؟ و چنین است که دعوت عضویت می فرستد. آیا او را که اکتون

تنها پشتیبانی سیاسی، که در یک مکانیسم بلافاصله می تواند پشتوانه خوبی برای کشور باشد کافی نیست، بلکه خود نفس نظرات سیاسی بدون توجه به موافقت و مخالفت با سیاست های دولت نیز در مکانیسم غیر مستقیم بر تصحیح نظرات رایج تاثیر حتمی و البته "خوبی" دارد

آنگاه می توان بحث حزب را بپذیری کرد. اگر ایشان پشتیبانی را می خواهد، ابزار این پشتیبانی را باید شناساند و برای آن کسب مقبولیت کرد. راستی آیا آقای رفسنجانی می خواهد حزب ویژه ای تاسیس کند؟ و چنین است که دعوت عضویت می فرستد. آیا او را که اکتون

غرض از قلمی کردن چند صفحه ای که از این پس اقدام می شود اظهار نظر شما نسبت به پیام نوروزی آقای رفسنجانی است.

قبل از هر چیز بگویم که اساسا کل یادداشت با نظر منفی به اظهارات آقای رفسنجانی به نظر خود کرده است و دچار تک بینی نیز شده است. به این معنی که مخاطبین دعوت را سیاه سیاه و یا کسانی که الفتات زیادی به سیاست دارند فرض نموده است، و اساسا وارد این بحث نشده است که چرا این اولین دعوت عنوان شده است، چه انگیزه های سیاسی در آن دخیل بوده است، این سرمایه های ملت را برای چه کسی در حکومت - سرچه اقدامات در حوزه قدرت به داخل دعوت کرده است، اگر چه شرایط کنونی ایران آشنا باشیم، جنگ قدرت میان ایشان و جناح راست را بشناسیم، آنگاه خواهیم فهمید که انگیزه ها چیستند. راستی آیا در پیام آقای رئیس جمهور اولین مخاطبان، چهل پنجاه هزار جوانی هستند که به سودای تدارک زندگی آتی با تحمل صدها مشکل امروزه در ژاپن و با کشورهای نفت خیز نیروی کار خود را در مرده شویخانه ها و مراکز نظافت و از اینگونه می گذرانند؟ آیا منظور دانشجویانی هستند که در خارج تحصیل می کنند، آیا خانواده های مهاجریکه در بازگشت به وطن مشکل اولیه آنها اسرار معاش خواهد بود می باشند، آیا سیاه سیاه برای اینکه حزبی بسازند که مبتدا پیش فنی قانون اساسی و نتیجه ای تضاد بنیادی با رژیم است؟ راستی مخاطب ایشان کیست و ایشان

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمپر) به آدرس "کار" پست نمایید.</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه - ۴۵ مارک</p> <p>یکسال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه - ۵۲ مارک</p> <p>یکسال - ۱۰۴ مارک</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>حساب بانکی: M.ABD آدرس: Ruzbeh</p> <p>NR_35263011</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>Postfach 1810</p> <p>52020 Aachen</p> <p>GERMANY</p> <p>Stadtsparkasse Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>شماره فکس: Fax: 0049_221_3318290</p>
--	--	---	---

روسیه همچنان بی ثبات و درگیر جنگ قدرت است

سخنگوی پلتنین رئیس جمهور روسیه با لحن تندی گزارش دونشریه چاپ مسکو را دایر بر اینکه در کرملین، برکناری چرنومیردین نخست وزیر این کشور به بهانه بدی وضع سلامتی او تدارک دیده می شود، تکذیب کرد. دو هفته پیش نخست وزیر روسیه به کلینیک بیماری ما پیتس آلمان رفت تا به علت بیماری سنگ کلیه، مورد معاینه قرار گیرد. در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک با نخست وزیر روسیه، پزشک معالج وی وضع جسمی چرنومیردین را «عالی» توصیف کرد.

در هفته های اخیر در نشریات مسکو گزارش هایی درباره یک بحران تقریباً آشکار در دولت روسیه که طی آن، سرنوشت سیاسی چرنومیردین زیر علامت سؤال رفته است، چاپ شد. طبق این گزارش ها، موضوع کشمکش، بودجه سال ۱۹۹۴ و میزان کسری پذیرفتنی در آن بوده است. در حالی که چرنومیردین با حمایت شوخین وزیر اقتصاد و دووینین وزیر دارایی و مطابق با قول هایی که دولت روسیه به صندوق بین المللی پول داده است، از یک کسری بودجه حتی المقدور کم جانبداری کرده اند، اکثریت کابینه به رهبری سوسکویس تحت فشار نمایندگان نظامیان و مجتمع نظامی-صنعتی خواهان افزایش هزینه ها بودند. با دخالت پلتنین در جهت خلاف نظر نخست وزیر، کشمکش پایان یافته است.

قبل از این، پلتنین با نمایندگان مدیران صنایع سنگین و تسلیحاتی دولتی و مسئولان دولتی مناطقی که بطور ویژه به این صنایع وابسته اند، ملاقات کرده و وظایف آنها تحت تأثیر گفته های آنها در مورد عراق ادامه کاهش تولید این صنایع قرار گرفته بود. در پنج ماه اول سال ۱۹۹۴، تولید این صنایع در مقایسه با دوره مشابه سال قبل، ۲۶ درصد کاهش نشان می داد، در حالی که سال گذشته نیز برای این صنایع، سال بدی بود. از جمله طرفداران افزایش قابل توجه هزینه های نظامی بودجه ۱۹۹۴ به میزان ۵۵۵ میلیارد روبل، یعنی بیش از ۳۰ میلیارد دلار، گراچف وزیر دفاع و نیز شورای فدراسیون، مجلس اول پارلمان روسیه اند. در این مجلس، نمایندگان صنایع تسلیحاتی نفوذ زیادی دارند. اما یوشنکوف رئیس کمیته دفاع دومای دولتی مجلس دوم پارلمان نیز، که از فراکسیون «انتخاب روسیه»، یعنی جناح موسوم به اصلاح طلبیان است، از افزایش زیاد بودجه ارتش حمایت کرد.

دومای دولتی دو هفته پیش علیرغم اینکه کمونیست ها، حزب ناسیونالیست ژیرینفسکی و چند فراکسیون میانه اعلام کرده بودند که به افزایش ۵۵۵ میلیارد روبلی هزینه های نظامی رأی خواهند داد، در شوردوم، بودجه سال ۱۹۹۴ را بدون افزایش قابل توجه کسری آن تصویب کرد. بدین ترتیب با مجموع درآمدهایی به ارزش ۱۲۴/۴ میلیارد روبل و هزینه هایی در حد ۱۹۴/۴ میلیارد روبل، مقدار کسری ۷۰ میلیارد روبل پیش بینی شده از سوی دولت،

که برابر با ۹/۶ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه است، تغییری نیافت. بسیاری از اعضای فراکسیون های معروف به اصلاح طلب در دوما، مانند حیدر رهبر انتخاب روسیه و وزیر پیشین اقتصاد و دارایی، یا آری معتقد بودند و یا اصلاً در رأی گیری شرکت نکردند. حیدر، لایحه بودجه را «غیر واقع بینانه» خواند. در مقابل، اپوزیسیون رادیکال به لایحه بودجه رأی داد. با این حال، علیرغم این رأی، حرف آخر درباره لایحه مزبور هنوز زده نشده است. پس از شورش سوم در دوما، موافقت شورای فدراسیون نیز ضروری است. شومیکو رئیس این مجلس بارها اعلام کرده است که هزینه های نظامی باید افزایش یابد و لایحه فعلی قابل پذیرش نیست.

از این روش گل گرفت یک بحران دولتی به علت لایحه بودجه، منتفی نیست. این نیز تصادفی نیست که در حدیسات پیرامون تغییرات احتمالی دولت، پیوسته از سکوکوف نام برده می شود. وی در حال حاضر رئیس اتحادیه تولید کنندگان کالا است. سابقه فعالیت سکوکوف به صنایع تسلیحاتی برمی گردد. او در دوره نخست وزیری سیلایف مسئول امور اقتصادی روسیه بود و مدتی نیز دبیری شورای امنیت پلتنین را برعهده داشت. سکوکوف در آن دوره مورد مخالفت نیروهای معروف به اصلاح طلب بود. سکوکوف بیش از یک سال پیش بدین علت که با برنامه های پلتنین برای اعلام وضعیت فوق العاده و محدود کردن

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

مخالفت چین با تحریم کره شمالی

چین که به عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در این شورا حق وتو دارد، کماکان مخالف برقراری تحریم های بین المللی علیه کره شمالی به علت برنامه هسته ای این کشور است. وزیر خارجه چین در دیدار با همتای خود از کره جنوبی که به منظور جلب موافقت چین با تحریم کره شمالی به پکن رفته بود، اظهار داشت مجازات کره شمالی، کمکی به حل مسئله نمی کند. وزیر خارجه چین ضمن انتقاد از اقدامات آمریکا علیه کره شمالی، تأکید کرد که به نظر چین، همه طرف های درگیر باید خویش را از تنش دور کنند و با مذاکره راه بنهند.

مرگ جان خراش ۸۹ کودک در آنگولا

در جنگ داخلی آنگولا که ظاهراً رسانه های گروهی بین المللی آن را فراموش کرده اند، ۸۹ کودک قربانی یک حمله هوایی نیروی هوایی شدند. به علت مه، خلبان یک هواپیمای جنگی دولت آنگولا که گمان می کرد بر فراز مواضع شورشیان اویتا است، در یک منطقه تحت کنترل دولت بمب های خود را روی یک مدرسه ریخت. در نتیجه، این مدرسه ویران شد و ۸۹ کودک به قتل رسیدند. این کودکان نیز به شمار زیاد قربانیان جنگی اضافه شدند که بیست سال پیش با تحریک اویتا توسط رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی آغاز گردید و پس از وقفه ای کوتاه در پایان جنگ سرد، به علت خودداری اویتا از پذیرفتن نتایج انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل، از سر گرفته شد.

نگرانی از وضعیت حقوق بشر در الجزایر

علی یحیی عبدالنور رئیس جمعیت حقوق بشر الجزایر گفته است که اعمال قهرآمیز در این کشور از زمستان گذشته بدین سو افزایش یافته است. وی افزود دولت الجزایر نتوانسته است اوضاع را تحت کنترل خود درآورد. عبدالنور از اینکه در مطبوعات الجزایر از صدها نفر تلفات درگیری های این کشور از میان مردم عادی سخنی به میان نمی آید، انتقاد کرد. همچنین جبهه آزاد بیخشم ملی الجزایر که از احزاب اپوزیسیون این کشور است، طی نامه ای رئیس جمهور الجزایر را فراخواند دستور دهد که در مورد تعرضات نیروهای امنیتی به مردم تحقیق به عمل آید.

تهدید نخست وزیر ترکیه علیه یونان

روزنامه ملیت چاپ ترکیه به نقل از تانسو چیلر نخست وزیر ترکیه نوشت این کشور گریونان حریم دریایی جزایر خود در دریای اژه را از شش به دوازده مایل دریایی افزایش دهد، دست به اشغال برخی از جزایر متعلق به یونان در این دریا خواهد زد. به دنبال این اظهارات تحریک آمیز، چنین وزیر خارجه دولت چیلر در تلاش برای کاستن از عواقب دیپلماتیک ناگوار آن، گفت نقل قول فوق از یک گفتگوی خصوصی در چند ماه پیش بوده و بدون ارتباط با مطالب دیگری که در این گفتگو بیان شده بود، چاپ شده است. در عین حال، وزیر خارجه ترکیه باردیگر تأکید کرد در صورتی که یونان بخواهد آن گونه که اعلام کرده است، حریم دریایی خود را گسترش دهد، با واکنش ترکیه مواجه خواهد شد. بلند اجویت رهبر حزب دمکراتیک چپ ترکیه از موضع گیری جنگ افروزان نخست وزیر این کشور حمایت کرده است.

دستگیری دهها بنیادگراد در مصر

روزنامه نیمه رسمی الاهرام چاپ قاهره نوشت پلیس مصر ۲۷ بنیادگرای اسلامی را دستگیر کرده است. طبق این گزارش، دستگیرشدگان از رهبران شاخه نظامی گروه موسوم به جماعت اسلامی اند. اتهامات آنها، حمله به افراد پلیس در استان اسیوط واقع در جنوب مصر و حمله به چند بانک قاهره است. الاهرام می نویسد پلیس در جریان عملیات اخیر خود توانسته است در بیش از ۲۰ مخفی گاه بنیادگرایان، اسلحه، مهمات و بیش از ۲۰۰ هزار دلار پول نقد ضبط کند. در همین حال اعلام شد که در دو سال اخیر، طی درگیری های پلیس و بنیادگرایان بیش از ۴۰۰ نفر کشته شده اند.

توافق برای آتش بس چهار هفته ای در بوسنی

طرف های جنگ داخلی در بوسنی طی مذاکراتی در ژنو توافق کردند که به منظور فرصت دادن به نمایندگان سازمان ملل جهت مذاکره برای برقراری صلح در این کشور، به مدت چهار هفته نبردها را متوقف کنند. این توافق بدنبال موفقیت های نظامی اخیر نیروهای دولت بوسنی در جنگ علیه صرب ها حاصل شد و اگر اجرا شود، پیشروی نیروهای بوسنی علیه مواضع صرب ها را متوقف خواهد کرد.

بحران مالی، حکومت خودمختار فلسطینی راتحت فشار قرار داده است

ادامه از صفحه ۱۲

اینگونه متهمان را تسلیم حکومت خودمختار فلسطینی کند. در عین حال تلاش برای برقراری صلح میان اسرائیل و کشورهای عربی ادامه دارد. بطوری که اخیراً فاش شد، اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل و ملک حسین پادشاه اردن ماه گذشته در لندن مخفیانه ملاقات کردند. در این دیدار، درباره شرایط نزدیک تر کردن همکاری دو کشور گفتگو به عمل آمد. به نوشته مطبوعات غربی، ملک حسین نمی خواهد اردن با امضای قرارداد خودمختاری بین ساف و اسرائیل، در انزوا بماند. گفته می شود پادشاه اردن پیش از دیدار با نخست وزیر اسرائیل، موافقت حافظ اسد رئیس جمهور سوریه با این دیدار را جلب کرده است. قرااسات اسرائیل واردن در جلویی از عبور غیرقانونی اعراب مسلح از مرزهای اردن و مناطق اشغالی همکاری کنند.



رواندا: جنگی که بر بستروابط طایفه ای و به خاطر عدم رعایت حقوق اقوام اقلیت ها در گرفته با دخالت نیروهای استعماری پیشین ابعاد خونین و وهشتاکی به خود گرفته است. فرانسه از طریق موبوتو دیکتا توریست به نیروهای دولت (قبیله هوتو) کمک می کند و مطابق پاره ای گزارشها انگلیس و آمریکا از طریق اوگاندا به شورشیان قبیله توتسی یاری می رسانند. خیرگزاری ها از کشته شدن ۵۰۰ هزار نفر از اهالی اوگاندا در جنگ اخیر می دهند، که اکثر آن در اثر قتل و عام های طرفین متخاصم از قبیله مقابل از پای در آمده اند. عکس کودکی را نشان می دهد که پس از فرار از یک قتل و عام مجروح و نا امید پشت دیوار یک بیمارستان نفس تازه می کند.

پارلمان جدید اروپا برگزیده شد

دست یافت. در فرانسه دو حزب نئوگلیست و لیبرال حاکم، لیست مشترکی برای انتخابات اروپا معرفی کرده بودند. با این حال این همگامی بیش از ۲۲/۵ درصد آرا را به ارمغان نیاورد. در عوض، گروه ناسیونالیستی دوپلیه که از مخالفان سرسخت پیمان ماستریخت است، با کسب ۱۲/۴ درصد آرا و گروه منشعب از حزب سوسیالیست به رهبری «تاپی» با به دست آوردن ۱۲ درصد آرا به موفقیت چشمگیری دست یافتند. حزب سوسیالیست فرانسه نیز مانند احزاب حاکم، از بازندگان انتخابات اروپا دست یافت.

در فرانسه دو حزب نئوگلیست و لیبرال حاکم، لیست مشترکی برای انتخابات اروپا معرفی کرده بودند. با این حال این همگامی بیش از ۲۲/۵ درصد آرا را به ارمغان نیاورد. در عوض، گروه ناسیونالیستی دوپلیه که از مخالفان سرسخت پیمان ماستریخت است، با کسب ۱۲/۴ درصد آرا و گروه منشعب از حزب سوسیالیست به رهبری «تاپی» با به دست آوردن ۱۲ درصد آرا به موفقیت چشمگیری دست یافتند. حزب سوسیالیست فرانسه نیز مانند احزاب حاکم، از بازندگان انتخابات اروپا دست یافت.

درصد آرا را کسب کردند. سبزها بر آرای خود افزودند و ۱۰/۱ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. حزب سوسیالیسم دمکراتیک نیز که به ویژه در شرق آلمان نفوذ دارد، برای نخستین بار در انتخابات پارلمان اروپا شرکت کرد و به ۴/۷ درصد آرا دست یافت. احزاب راست افراطی در قیاس با انتخابات پنج سال پیش، آرای زیادی از دست دادند. در ایتالیا، تنها حزبی که برنده انتخابات اروپا محسوب می شود، حزب دست راستی ایتالیا به پیش به رهبری سیلیو برلوسکونی نخست وزیر این کشور است. این

حزب توانست به ۳۰/۶ درصد آرا دست یابد و بدین ترتیب، در قیاس با انتخابات پارلمان خود ایتالیا که اخیراً برگزار شد، آرای خود را یک برابر کنیم. نتوفاشیت ها و گروه جدایی طلب اتحادیه شمال، که متحدان برلوسکونی در ائتلاف حاکم، بخشی از آرای خود را از دست دادند. حزب چپ دمکراتیک نیز که بزرگترین حزب اپوزیسیون ایتالیا است، اندکی از آرای خود را از دست داد و به ۱۹/۱ درصد آرا دست یافت. «حزب مردم» (دمکرات مسیحی سابق) نیز نتیجه ای بدتر از انتخابات پارلمان ملی کسب کرد.

